


Evolution of Ethnic Identity in Ahvaz Urban Society (From the Second Pahlavi to the Islamic Republic Period)

- Vahid Shalchi** * Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- Ali Janadleh**  Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- Ismail Aalizad**  Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- Masoud Zalizadeh**  Ph.D. Candidate in culture Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

In theories of ethnic identity, belonging to an ethnicity varies with respect to ethnic policies, economic conditions, the extent of social system closure, etc., which may lose its role and importance in one period and become the dominant identity in another. The goal of this article is to evaluate the ethnic identity in the city of Ahvaz from the second Pahlavi era to the Islamic Republic period. The research data were obtained based on the life history technique and through semi-structured qualitative interviews to identify and understand the mentality of people whose lived experience was formed in Ahvaz. To analyze the interviews, the matic content analysis method was used, through which ten primary themes and three central themes were identified. The central themes in the second Pahlavi period is "Ethnic Identity in the Path of Integration", in the period of the revolution until the end of the war is "Ethnic Identity in the path of Differentiation". The results show that compared to the past periods, the Bakhtiari and Arab people in Ahvaz have a greater tendency to identification based on ethnicity, and ethnic identity has become a strong and effective identity in the urban society of Ahvaz.

Keywords: Ethnic Identity, Ahvaz, Renovation, Ethnic Differentiation, Bakhtiari, Arab.





This paper is extracted from the dissertation of Masoud Zalizadeh, Allameh Tabataba'i University.

* Corresponding Author: vshalchi@gmail.com

How to Cite: Shalchi, V., Janadleh, A., Aalizad, I., Zalizadeh, M. (2021). Evolution of Ethnic Identity in Ahvaz Urban Society (From the Second Pahlavi to the Islamic Republic Period), *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(94), 45-87.



تحولات هویت قومی در جامعه شهری اهواز (از دوره پهلوی دوم تا دوران جمهوری اسلامی)

- وحید شالچی *  دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- علی جنادله  استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- اسماعیل عالی‌زاد  استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- مسعود زالی زاده  دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

بر مبنای نظریات هویت قومی احساس تعلق به قومیت با توجه به سیاست‌های قومی، شرایط اقتصادی، باز یا بسته بودن نظام اجتماعی و ... پدیده‌ای متغیر است که ممکن است در دوره‌ای نقش و اهمیت خود را از دست داده و در برهه‌ای دیگر به هویت مسلط تبدیل شود. بر همین اساس مقاله پیش‌رو در پی بررسی تحولات هویت قومی در شهر اهواز از دوره پهلوی دوم تا دوران جمهوری اسلامی می‌باشد. داده‌های پژوهش بر مبنای تکنیک تاریخچه زندگی و از طریق مصاحبه کیفی نیمه‌ساختار یافته جهت شناسایی و درک ذهنیت افرادی که تجربه زیسته آن‌ها در شهر اهواز شکل گرفته، به دست آمده‌اند. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده که از این طریق ده مضمون اولیه و سه مضمون محوری شناسایی شده است. مضامین محوری در دوره پهلوی دوم «هویت قومی در مسیر ادغام» در دوره انقلاب تا پایان جنگ «هویت قومی در مسیر همبستگی اجتماعی» و دوران بعد از جنگ «هویت قومی در مسیر تمایزیابی» می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در قیاس با دوره‌های گذشته دو قوم بختیاری و عرب در شهر اهواز تمایل بیش‌تری به هویت‌یابی بر پایه قومیت دارند و هویت قومی به یک هویت پررنگ و اثرگذار در جامعه شهری اهواز تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها: هویت قومی، اهواز، نوسازی، ادغام، تمایزیابی هویتی، بختیاری، عرب.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری مسعود زالی‌زاده دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول: vshalchi@gmail.com

مقدمه

یکی از ویژگی‌های جهان امروز را می‌توان رشد هویت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها به‌ویژه هویت قومی^۱ دانست. از همین رو استوارت هال^۲ (1997) از کشف دوباره قومیت‌ها و تلاش آن‌ها در جهت خارج شدن از موقعیت حاشیه‌ای سخن می‌گوید. این نگرش در تقابل با نظریه‌های کلاسیک علوم اجتماعی قرار دارد که هویت‌های قومی را بازمانده‌های دوران پیشامدرن می‌دانستند که در نتیجه شهرنشینی، صنعتی‌شدن، گسترش آموزش، جای خود را به هویت‌های کلان و فراگیر خواهند داد (Malesevic, 2016:15)؛ اما مجموعه‌ای از تحولات به‌هم‌پیوسته از جمله جهانی‌شدن و پیامدهای آن نشان داد که چنین دیدگاهی با واقعیت همخوان نیست و نه تنها از اهمیت این‌گونه هویت‌ها کاسته نشده، بلکه جنبش‌های متعددی بر پایه همین هویت‌های قومی شکل گرفته‌اند که به دنبال رهایی از سیطره گفتمان‌های ملی و ارائه تعریفی یگانه از خود و هویت تاریخی‌شان می‌باشند. در جامعه امروز ایران نیز قومیت‌های مختلف در قالب‌ها و اشکال مختلف هویت فرهنگی‌شان را به معرض نمایش می‌گذارند.

بیان مسئله

در استان خوزستان و به‌ویژه مرکز آن؛ شهر اهواز با آنکه قومیت همواره نقش مهمی در جهت‌دهی به فرهنگ و هویت مردمان این شهر داشته، اما در برهه کنونی با رشد فزاینده هویت‌یابی قومی از سوی اقوام این شهر (عرب و بختیاری) مواجهیم. نتایج مطالعات انجام‌شده پیرامون هویت قومی در بین دو قوم عرب و بختیاری در خوزستان همچون موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (2017) و بهشتی و حقمرادی (2018) حاکی از پررنگ‌بودن هویت قومی می‌باشد. نشانه‌های این هویت‌طلبی قومی در مواردی همچون تقویت شبکه‌های روابط قومی، احیای سنت‌های قومی، تشکیل رسانه‌ها، احزاب و گروه‌هایی با محوریت مطالبات قومی، نقش

1. Ethnic Identity
2. Hall, Stuart

تعیین‌کننده هویت قومی در انتخابات، انتصابات و نظام اداری، اهمیت‌دادن به نمادهای قومی همچون لباس، زبان و گویش‌های قومی و ... به‌خوبی قابل‌مشاهده است. در کنار این موارد در سال‌های اخیر توجه به بحث قومیت با عناوینی مختلفی همچون بی‌توجهی به حقوق اقوام، شکایت از قوم‌گرایی، انتصابات قومی و ... وارد ادبیات رسمی بسیاری از مسئولان استانی نیز شده است (Soleimani, 2021; Khalilian, 2021).

رویکرد برساخت‌گرایی در حوزه مطالعات قومی به این اشاره دارد که هویت قومی در برهه‌های مختلف در اشکال و صورت‌های گوناگونی ظاهر می‌شود که مرتبط با رویه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. در حقیقت هویت قومی بسته به زمینه‌های اجتماعی و تاریخی، گفتمان‌ها، نحوه تخصیص منابع، رابطه قومیت‌ها با دولت و ... دچار تحول و دگرگونی می‌شود که ذیل این دیدگاه می‌توان تغییرات معنایی هویت قومی و هم‌چنین زمینه‌ها و مکانیسم‌هایی که این معانی را به وجود می‌آورند، شناسایی نمود (Slootman, 2018:22). از این‌رو هویت گروه‌های قومی در شهر اهواز نیز پدیده‌ای ایستا نبوده و با توجه به این‌که استان خوزستان و شهر اهواز از دههٔ چهل تاکنون رخدادها و تحولات متعددی همچون اکتشاف نفت، نوسازی سریع و شتابان، سیاست‌های هویتی، شکل‌گیری انقلاب، جنگ و پیامدهای ناشی از آن، بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی و ... را از سر گذرانده، می‌توان انتظار داشت درک و ذهنیت افراد ساکن در شهر اهواز نسبت به هویت قومی خود در این زمینه‌ها و بسترها وضعیت‌های متفاوتی را تجربه نموده است. بر همین اساس پژوهش پیش‌رو با شناخت ذهنیت و تجربه‌زیستهٔ کسانی که از دوره پهلوی دوم تا دوران فعلی در این شهر سکونت داشته‌اند، می‌کوشد تصویر نسبتاً جامعی از تحولات هویت قومی با توجه به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همسو با آن ارائه دهد.

پیشینه تجربی

یافته‌های پژوهش احمدی (2021) در کتاب از «مرز تا مرز: پژوهشی جامع در باب هویت و قومیت در ایران» نشان می‌دهد که گروه‌های قومی همچون ترک‌ها، کردها، عرب‌ها و

بلوچ‌ها معتقدند که جایگاه سیاسی درخوری در ساختار سیاسی کشور ندارند، از نظر برخورداری از امکانات تفاوت فاحشی با مناطق مرکز نشین دارند، توجهی به زبان مادری آن‌ها نمی‌شود و به‌طور کلی از جنبه‌های گوناگون هویت و تاریخ آن‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در پژوهش آیت‌الله میرزایی (2020) پیرامون بررسی گونه‌های مختلف ناسیونالیسم و نسبت آن با دو مفهوم احساس تبعیض و قوم‌گرایی در بین دانشجویان، گرایش دانشجویان دو قوم لر و فارس به‌گونه‌ی باستان‌گرایی و دانشجویان بلوچ و عرب به‌گونه‌ی مذهبی و دولتی بوده است. ضمناً تفاوتی بین دانشجویان قومیت‌های مختلف از نظر ناسیونالیسم مدنی وجود ندارد. از نظر میزان قوم‌گرایی از بیش‌ترین به کم‌ترین دانشجویان اقوام کرد، بلوچ، ترک، عرب، لر و فارس؛ و میزان احساس تبعیض، دانشجویان کرد، بلوچ، عرب، لر، ترک و فارس می‌باشند. نتایج پژوهش طالبی و کریم زاده (2019) نشان می‌دهد که دو متغیر اساسی شرایط و زمینه‌های داخلی و عوامل کارگزاری داخلی و خارجی به‌عنوان زمینه‌ساز تشدید هویت‌طلبی قومی یا سیاسی‌شدن قومیت در ایران محسوب می‌شوند. متغیر شرایط و زمینه‌های داخلی شامل شرایط و زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی؛ و متغیر عوامل کارگزاری داخلی و خارجی شامل عوامل مؤلفه‌های تأثیرگذار در سطح ملی و محلی و هم‌چنین سرویس‌های جاسوسی خارجی، رسانه‌های بیرونی، نخبگان خارج‌نشین و ... می‌شود. امیدی و رضایی (2011) در پژوهشی با عنوان «ابعاد سیاسی جهانی‌شدن و قومیت در ایران» به این نتایج دست یافته‌اند که جهانی‌شدن تا حد زیادی باعث به حاشیه‌راندن شدن شاخص‌های فرهنگی اقوام همچون نحوه پوشش، ازدواج و مناسبات اجتماعی به‌جز زبان گردیده، اما از جهت سیاسی منجر به رشد آگاهی‌های سیاسی، حساسیت به شکاف بین مرکز و پیرامون، افزایش مطالبه‌گری و ... شده است. در پژوهش موسوی سرشت (2021) یافته‌ها حاکی از آن است که احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به مردم عرب استان خوزستان نقش مهمی در بازآفرینی هویت فرهنگی-قومی داشته است که وجود عوامل زمینه‌ای هم چون فرهنگ‌پذیری از کشورهای حاشیه خلیج فارس، شرایط جهانی در خصوص تقویت

گفتمان محلی‌گرایی و تبعیت دولت‌ها و نیز کنشگری مردم عرب این استان در هویت‌یابی قومی‌شان به این مهم کمک نموده است. یافته‌های پیمایش حاتمی کاهکش و کردونی (2010) پیرامون قومیت‌بختیاری بیان‌گر آن است که هویت ملی در بین قومیت‌بختیاری بالاست و از بین چهار بعد هویت ملی یعنی بعد جغرافیایی، بعد فرهنگی، بعد زبانی و بعد تاریخی، بیش‌ترین میزان مربوط به بعد زبانی هویت ملی می‌باشد. در ارتباط با قومیت، میزان هویت قومی در بین این گروه قومی بالاست و از بین چهار بعد هویت قومی، بعد تاریخی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. ضمناً بین ابعاد چهارگانه هویت ملی و هویت قومی و هم‌چنین ابعاد چهارگانه هویت قومی با هویت ملی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش پورزیتانی (2010) در بین اعراب خوزستان حاکی از غلبه هویت قومی بر دیگر سطوح هویتی است. هویت ملی در سطح متوسط و ضعیف و هویت جهانی در سطح متوسط می‌باشد. ضمناً رابطه بین ابعاد هویت جمعی و تعدادی از متغیرها بیانگر این است که وابستگی شغلی به دولت، میزان رضایت از عملکرد حکومت و پایگاه اجتماعی والدین با هویت‌های عام رابطه مستقیم؛ و گستره تعاملات اجتماعی، احساس تبعیض، احساس محرومیت، اصالت قومی، پیوستگی افراد با گروه‌های نخستین با هویت‌های خاص (هویت قومی) رابطه معکوس دارد. بر مبنای یافته‌های رضائزاد (2007) چهار عامل مهم در ایجاد نگاه امنیتی-سیاسی به قومیت عرب خوزستان (بعد از انقلاب) نقش دارند: ۱- افکار و افعال نخبگان قومی عرب، ۲- ساخت چندپاره ایران و احتمال تسری بحران‌های قومی به سایر مناطق اقلیت‌نشین، ۳- مداخلات قدرت‌های خارجی و اثرگذاری گفتمان‌های فراملی و ۴- موقعیت استراتژیک و جایگاه انرژی و ژئوپلیتیک خوزستان در امنیت ملی ایران و حتی منطقه خاورمیانه. مجتبی مقصودی (۱۳۸۲) با بررسی قومیت‌های مختلف ایرانی از جمله دو قوم بختیاری و عرب و رابطه آن‌ها با حکومت محمدرضا پهلوی به این نتایج دست یافته است که با کنار رفتن رضاشاه و به تبع آن کاهش قدرت دولت مرکزی منازعات قومی در بخش‌های مختلف ایران به‌ویژه آذربایجان و کردستان افزایش می‌یابد. ولی در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد، گروه‌های قومی بیش‌ازپیش به حاشیه

رانده شده و تأثیرگذاری آنان بر تحولات سیاسی کشور بسیار کم می شود. از نظر یسلیتس^۱ (2016) پروژه ملت سازی در ایران از همان ابتدا به دنبال حاکم نمودن فرهنگ و زبان مشترک بر کل جامعه و حذف تنوع فرهنگی بود و همین مسئله منجر به برخی جنبش های قومی گردید که بلافاصله توسط حکومت پهلوی سرکوب شدند. پس از شکل گیری انقلاب اسلامی گروه های قومی از فرصت به وجود آمده برای احقاق حقوق اقلیت های قومی، بحث خودمختاری را مطرح کردند، ولی هدف حکومت ایجاد یک هویت دینی فراقومی-فراملی و عدم توجه به هویت قومی بود. راسموس کریستین الینگ^۲ (2013) با تمرکز بر چهار قوم ترک، کرد، عرب و بلوچ به فراز و فرود این گروه های قومی در طول سه دهه می پردازد. وی قومیت را یکی از مسائل بغرنج جامعه ایرانی می داند که به دلیل سیطره نوعی ملی گرایی که در دهه های اخیر با اسلام گرایی نیز پیوند خورده، به سیاسی شدن قومیت ها و در نتیجه معارضه آنها با هویت ملی منجر شده است.

مرور مطالعات مرتبط با هویت قومی به طور کلی نشان می دهد که اغلب پژوهش های این حوزه بر مبنای روش های کمی انجام شده اند که در بیش تر آنها به مواردی همچون سنجش هویت قومی و یا رابطه هویت قومی با سایر متغیرهای اجتماعی پرداخته شده است. در پژوهش های تاریخی نیز وضعیت گروه های قومی بیش تر از منظر رابطه بین نخبگان قومی با دولت مرکزی و یا سیاست های قومی دولت ها مورد مطالعه قرار گرفته و به جایگاه هویت قومی در بین عموم مردم توجه چندانی نشده است. ضمناً در بین آثار موجود توجه بسیار کمی به موضوع اقوام در خوزستان به ویژه در قیاس با دو قوم ترک و کرد شده است. بر این اساس پژوهش پیش رو با مدنظر قراردادن خلأهای پژوهشی موجود، می کوشد تحولات هویت قومی در شهر اهواز را با عنایت به روش های تفسیری و بر پایه تجربه زیسته عموم مردم و نه لزوماً نخبگان قومی مورد مطالعه قرار دهد.

1. Yesiltas

2. Elling, Rasmus Christian

چهارچوب مفهومی

در پژوهش‌های کیفی اشاره به نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف نه باهدف نظریه‌آزمایی، بلکه ایجاد حساسیت نظری برای پژوهشگر است تا بتواند زوایا و ابعاد موضوع پژوهش را واکاوی نموده و با ذهنیتی فعال با واقعیت مواجه شود. در اینجا نیز اشاره به نظریه‌های هویت قومی در راستای ایجاد چنین ذهنیتی صورت می‌گیرد.

نظریه‌های تضاد بر این موضوع متمرکزند که چگونه پویایی روابط قومی و نژادی جامعه را به گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌کند ولی درعین حال یک گروه را به‌عنوان گروه مسلط نگه می‌دارد. در حقیقت قوم‌مداری^۱ و نژادپرستی^۲ از طریق تقسیم افراد بر اساس گروه‌های نژادی و قومی، وضع موجود را حفظ می‌کنند و تداوم می‌بخشند (Guerreo, 2019:165-166). از دیدگاه هچتر^۳ هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت را باید در ارتباط با استعمار داخلی^۴ و تقسیم فرهنگی کار^۵ توضیح داد. مطابق نظر او موج نامتوازن نوسازی در جامعه موجب می‌شود منابع قدرت بین گروه‌ها و اجتماعات به شکل نامتساوی توزیع شود؛ به طوری که در صورت‌بندی کلی، اقلیت افراد از این منابع به‌صورت زیاد و بیشتر مردم از آن‌ها به‌صورت کم برخوردار می‌شوند. اگر تفاوت‌های فرهنگی با نابرابری‌های اقتصادی عجین شود تقسیم کار فرهنگی پدیدار می‌شود و به‌تبع آن جذب و ادغام سیاسی اجتماعات حاشیه‌ای در جامعه ملی به حداقل می‌رسد. در این دیدگاه همبستگی و چالش‌های قومی عکس‌العملی است که از جانب گروهی پیرامونی علیه استعمار مرکزی شکل می‌گیرد (Ghaderzadeh & Mohammadzadeh, 2018:34). درنظریه نوسازی ابتدا این تصور وجود داشت که ساختارهای سنتی و به‌ویژه هویت قومی مانع هرگونه پیشرفت و توسعه می‌باشند و باید از طریق صنعتی‌شدن، تأسیس نهادهای جدید، گسترش آموزش و رسانه‌های جمعی و ... هویت قومی را تضعیف و ارزش‌های

-
1. Ethnocentrism
 2. Racism
 3. Hechter
 4. Internal Colonial.
 5. Cultural Division Of Labor

مدرن را جایگزین آن نمود؛ اما در رویکردهای متأخر به نقش‌نوسازی در ظهور و بروز تنش‌های قومی تأکید می‌شود. به‌عنوان مثال با شکل‌گیری دولت مدرن و نوسازی در عرصه اقتصادی و آموزشی، قشری از روشنفکران قومی پدید آمدند که به دنبال تصاحب مناصب و نقش‌آفرینی در ساختار دولتی بودند، درحالی‌که در ساختار دولت جایی برای آن‌ها وجود نداشت و در نتیجه از قومیت به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های خود و سامان‌دهی جنبش‌های قومی پرداختند (Newman, 1991). یکی دیگر از نظریه‌های مهم در این زمینه به بررسی و نقش نخبگان قومی در تقویت و شکل‌دهی به هویت قومی می‌پردازد. از نظر پل براس^۱ نخبگان قومی با استناد به منابع و میراث فرهنگی به دنبال ایجاد انسجام فرهنگی بین اعضای گروه هستند تا زمینه را برای بسیج سیاسی علیه دولت مرکزی و یا دیگر رقبا به وجود آورند. در این دیدگاه انسجام فرهنگی و بسیج سیاسی بستگی به توانایی نخبگان در پررنگ‌نمودن تفاوت‌های فرهنگی، خاص نشان‌دادن فرهنگ قومی، تأکید بر محرومیت‌ها و ... می‌باشد (Ahmadi, 2018: 160-161). مالشویچ (2017:233) با توجه به نقش نخبگان در مسئله‌مند شدن قومیت معتقد است که در کشوری مثل یوگوسلاوی نهادینه‌شدن گسترده و بی‌سابقه تفاوت‌های فرهنگی پیامد مستقیم سیاست‌های خاصی بود که به‌موجب آن نخبگان قدرتمند یوگوسلاوی از تمرکززدایی و تکیه بر تفاوت‌های فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای اجتناب از دموکراتیک‌شدن و لیبرال‌شدن استفاده می‌کردند. در حقیقت نخبگان دولتی ساختاری با چندین جمهوری و دارای تمایزهای فرهنگی ایجاد نمودند تا بتوانند کنترل بیشتری بر جامعه خود داشته باشند که با ضعف حکومت این لایه‌های فرهنگی سیاسی شدند. پیامد این شرایط پررنگ‌شدن تفاوت‌ها و ظهور ستیزهای هویتی در یوگوسلاوی بود. در نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر (1993)^۲ هرگاه یک گروه قومی نسبت به سایر گروه‌ها از محرومیت شدیدی برخوردار باشد و یک دولت یا یک گروه تبعیض‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر آنان اعمال نماید، نارضایتی در سطح گروهی افزایش خواهد که پیامد مستقیم این نارضایتی تقویت

1. Brass, Paul

2. Gurr, Ted Robert

هویت گروهی و تبدیل قومیت به تنها منبع هویت بخشی خواهد بود. در ارتباط با برجستگی هویت قومی بر اثر محرومیت نسبی می‌توان گفت که: یک (هر چه تفاوت‌های یک گروه با گروه‌هایی که مداوم با آن‌ها در تعامل است، بیش‌تر باشد، احتمال برجستگی و اهمیت هویتشان بیشتر می‌شود. دو) هویت قومی-فرهنگی زمانی اهمیت می‌باید که به لحاظ روانی، احساس محرومیت و یا عکس آن، برخورداری و برتری را در گروه به وجود آورد. گروه‌ها در جوامع متنوع دست به قیاس می‌زنند و این قیاس‌ها برگرفته از تجارب و اساطیر مشترک است. سه) منازعه آشکار با دولت و گروه‌های رقیب موجب برجستگی هویت می‌شود. به همین دلیل بسیاری از رهبران قومی-سیاسی می‌کوشند با توسل به خاطرات و حوادث تاریخی، سمبل‌های محرومیت و قربانی‌شدن و فجایع تاریخی، هویت گروهی را تقویت کنند (Ghasemi, 2007). در دسته‌ای دیگر از نظریات تمایل قومیت‌ها به احیای هویت قومی خود را باید بیش از هر چیز در بطن تحولاتی جستجو کرد که از آن با عنوان جهانی‌شدن یاد می‌شود. جهانی‌شدن از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی با بسط روابط انسانی و فضاها، اجتماعی‌سازی فرهنگ ملی را به چالش کشیده و به افراد و گروه‌ها این امکان را داده تا به بازسازی هویت خود در قالب‌ها و اشکال مختلف بپردازند (Giddens, 2016 Robertson, 2015). آنتونی گیدنز (2016) معتقد است که جهانی‌شدن به دلیل پدیده‌ای که از آن تحت عنوان «بی‌بستر شدن روابط اجتماعی و یا از جاکندگی» نام می‌برد، فرصت‌های جدیدی را برای بازتولید هویت‌های محلی فراهم نموده است. نظریه‌های پست‌مدرنیسم در یک چهارچوب متفاوت با نقد روایت‌های مدرن از هویت معتقدند که امروزه با هویت‌های چندگانه و پاره‌پاره‌ای مواجهیم که تعاریف عام و جهان‌شمول از هویت را برنتافته و به دنبال زندگی بر پایه ارزش‌های خاص خود می‌باشند. (Nash, 2016) باومن^۱ (2015) فرهنگ پست‌مدرن را با ویژگی‌هایی همچون کثرت‌گرایی، فقدان اقتدار جهان‌شمول، هم‌تراز ساختن سلسله‌مراتب و ... تعریف می‌کند که در آن خبری از هویت‌های یکپارچه مدرن نیست و جامعه بر پایه مجموعه‌ای از

1. Bauman, Zigmunt

هویت‌های گوناگون سامان می‌یابد. در نظریه فردریک بارت^۱ (2019) هویت‌ها به مثابه مرزهایی هستند که در گذر زمان ایجاد می‌شوند و محدوده‌های این مرز به هیچ‌وجه ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه همواره در حال دگرگونی بوده و حتی ممکن است این مرزها در گذر زمان به‌طور کامل محو شوند. به عبارتی هر گروهی که برای خود هویتی تعریف می‌کند، این تعریف وابسته به شرایط است و با تغییر شرایط مؤلفه‌های اصلی تعریف مرزهای قومی و صیانت از آنها نیز متفاوت خواهد بود. آندره‌آس ویمیر^۲ (2018 & 2008) با اتخاذ دیدگاه بارتی از یک سو و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی گروه‌های قومی از سوی دیگر بر این نظر است که چنین تفاوت‌هایی در حالت عادی چندان مهم و اثر گذار نبوده و منجر به شکل‌گیری مرزهای فرهنگی مشخص و انحصاری نمی‌شوند. در این دیدگاه چنین تفاوت‌هایی تنها زمانی منجر به خاص‌گرایی قومی می‌شوند که جامعه با انسداد سیاسی-اجتماعی و هم‌چنین تبعیض همراه باشد. به عبارتی پررنگ‌شدن هویت قومی ریشه در وضعیت تخصیص منابع، گفتمان حاکم بر جامعه، تحرک اجتماعی و ... دارد.

با عنایت این نظریه‌ها، چهارچوب مفهومی پژوهش با تأکید بر تحول‌پذیری هویت، تعبیر و تفسیر ذهنیت گروه‌های قومی را در بستر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مرتبط با ایران و استان خوزستان همچون سیاست‌های قومی دولت‌ها، تحولات سیاسی، انقلاب و جنگ، وضعیت اقتصادی گروه‌های قومی، پدیده جهانی‌شدن و ... مورد مطالعه قرار می‌دهد.

روش تحقیق

این پژوهش بر مبنای روش کیفی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه شامل دو گروه قومی ساکن در شهر اهواز یعنی بختیاری و عرب می‌باشد. نمونه پژوهش دربرگیرنده افرادی از این دو قومیت است که از دوره پهلوی دوم تا دوران فعلی در این شهر زندگی کرده‌اند. دو

1. Barth, Fredrik
2. Wimmer, Andreas

ملاک سن و حافظه (توانایی یادآوری گذشته) برای انتخاب افراد در نظر گرفته شده است. از نظر سنی افراد باید از متولدین سال ۱۳۳۵ و قبل از آن بوده و ضمناً توانایی یادآوری شرایط آن دوران و تجربه‌های زیسته خود را داشته باشند. داده‌ها از طریق تکنیک تاریخچه زندگی^۱ به دست آمده‌اند و در همین راستا با ۲۷ نفر مصاحبه کیفی نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^۲ استفاده شده است. با کدگذاری داده‌های پژوهش و قراردادن آن‌ها در الگوهای عام‌تر ما با مجموعه‌ای از مضامین سروکار داریم که نشان‌دهنده تفسیر افراد از هویت قومی‌شان در دوره‌های مختلف می‌باشند.

جدول ۱. فهرست مشارکت‌کنندگان در پژوهش

Table 1. list of participants in the research

ویژگی‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	85
	زن	15
تحصیلات	زیر دیپلم	22
	دیپلم	26
	فوق دیپلم و لیسانس	37
	فوق لیسانس و دکتری	15
سن	۶۵ تا ۷۰ سال	48
	۷۱ تا ۷۵ سال	33
	بالتر از ۷۵ سال	19
قومیت	بختیاری	44
	عرب	46

یافته‌های تحقیق

در این بخش یافته‌های تحقیق در سه دوره پهلوی دوم، شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا پایان

-
1. Life History
 2. Thematic analysis

جنگ و از پایان جنگ تا دوران فعلی ارائه شده‌اند. در هر دوره تاریخی مضامین بر مبنای موضوعات مطرح شده و هم‌چنین برحسب اهمیتی که برای افراد مصاحبه‌شونده داشته‌اند، صورت‌بندی شده‌اند. با ترکیب مضمون‌های اولیه، یک مضمون محوری به‌دست آمده است که بیانگر وضعیت هویت قومی در هر دوره می‌باشد.

۱- دوره پهلوی دوم

۱-۱- مضامین اولیه

۱-۱-۱- تعاملات بین قومی

از جمله مواردی که افراد مورد مطالعه تأکید فراوانی بر روی آن داشتند، تعاملات گسترده بین اقوام مختلف در سطح شهر اهواز بود. از دید آنان شبکه روابط اجتماعی محدود به وابستگی‌های قومی نبود و نوعی گشودگی بین افراد در تعاملات اجتماعی وجود داشت. اولین نکته‌ای که در ارتباط با این مضمون از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج گردید، اشاره به تنوع فرهنگی زیاد شهر اهواز بود:

تو اهواز شرایطی شغلی به نسبت خیلی از مناطق کشور بهتر بود. اشتغال زیاد بود. یادم تو فلکه‌ها کارگر زیاد می‌خوابیدن. چون کار بود خیلی مهاجرت اتفاق افتاد. الان شهر یک‌دست‌تر شده نسبت به اون موقع. همه خوزستانی. ولی اون موقع شهر رنگارنگ بود (ع).

حصیرآباد بیش‌تر عرب‌ها زندگی می‌کردن. کم‌کم مهاجرت زیاد شد یادمه مردم هجوم آوردن به این منطقه... اکثرآ بختیاری‌ها اومدن و یدفعه اون‌جا شلوغ شد و بافتش تغییر کرد. بازار که فعال شد شوشتری و دزفولی‌ها و حتی اصفهانی‌ها هم اومدن. (ب)

در نقل قول ذکر شده اهواز دوره پهلوی محیط اجتماعی به گونه‌ای ترسیم می‌شود که تعاملات اجتماعی فراقومی با وجود مهاجرت‌های فراوان گسترش می‌یابد. در ضمن افراد در

۱. جهت اختصار برای مصاحبه‌شوندگان بختیاری و عرب به ترتیب از حروف «ب» و «ع» استفاده می‌شود.

مقایسه با امروز پیرامون کیفیت تعاملات اجتماعی معتقدند که روابط اجتماعی گسترده‌ای بین قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف وجود داشته است:

اصلاً فضای طایفه‌ای و قومی نبود و رابطه‌ی زیادی بین مردم بود و ما این‌طور نبودیم که بگیم حتماً باید با هم قوم‌ها مون رابطه داشته باشیم. دوستای ما بیش‌تر غیر عرب‌بودن و برام مهم نبود که طرف عرب‌ه یا نه. (ع)

یکی از ویژگی‌های تعاملات اجتماعی در آن دوره اشاره به روابط زیادی است که بین افراد یک محله وجود داشته است. چنین ارتباطاتی از منظر یکی از پاسخگویان باعث اولویت هویت محله‌ای بر هویت قومی شده بود:

زندگی مسالمت‌آمیزی باهم داشتیم. بچه‌های محله خیلی باهم همبستگی داشتن. وقتی دعوا می‌شد بین محلات، ما بچه‌ها جمع می‌شدیم باهم و فرقی نداشت هر کی مال چه قومیتیه. دعواها محله‌ای بود تا قومی. حس هم‌محله‌بودن مهم‌تر از عرب‌بودن و بختیاری بودن بود. (ب)

حساسیت بین فرهنگی ارتباط مستقیمی با تعاملات اجتماعی وجود دارد، به‌طوری‌که هر چه افراد یک فرهنگ نسبت به فرهنگ دیگری نگرش خاصی داشته باشند، چنین نگرشی خودبه‌خود بر تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد و باعث ایجاد فاصله اجتماعی بین گروه‌های قومی می‌شود. از صحبت‌های برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش چنین برمی‌آید که حساسیت بین گروه‌های قومی به‌نحوی که امروز وجود دارد، در بین مردم دیده نمی‌شود:

در دوست‌یابی حساسیتی روی این‌که فرد مقابل من چه قومیتی داره وجود نداشت و اصلاً این چیزها به نسبت امروز مهم نبود. الان که می‌بینی حساسیت‌ها بیش‌تر شده و هرکسی سعی می‌کنه هم فرهنگ خودش رو پیدا کنه. (ب)

یکی از افراد باوجود آنکه معتقد به نوعی تصور خاص نسبت به عرب‌ها در آن دوره می‌باشد، ولی به روابط اجتماعی گسترده‌ای مردم در آن دوره اشاره می‌کند:

با دزفولی‌ها و شوشتری‌ها زیاد ارتباط داشتیم تو منطقه عامری. رفت و آمد زیادی

بین مردم بود. به نظرم شوستر دزفولی‌ها دامن می‌زدن به بحث‌های قومی. کلمه عرب رو بیش‌تر اون‌ها می‌گفتن و حساس بودن. در فضای عمومی و در بین همسایه‌ها بود مثلاً مادر نرو اینجا بچه عرب‌ها هستن. علتش هم این بود که درصد جوان‌های خوب و درس‌خون اون‌ها بیش‌تر بود. به نظرم درست هم می‌گفتن به واقعیت بود. الآن هم درصد بگیری اونا باسوادترن. من هیچ تعصبی نداشتم. من به هیچ وجه درگیر این مباحث نبودم. برام عجیب بود که چرا اون‌ها مشکل داشتن (ع).

۲-۱-۱- تضعیف فرهنگ قومی

در هر گروه قومی مجموعه‌ای از عناصر، نمادها، باورها و آداب و رسوم وجود دارد که تشکیل‌دهنده فرهنگ آن گروه بوده و میزان پایداری به این فرهنگ، تعیین‌کننده احساس تعلق به هویت قومی می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان که قومیت بختیاری دارد از تغییر- یا به عبارتی از تضعیف- فرهنگ بختیاری‌ها به‌ویژه پس از اکتشاف نفت سخن می‌گوید و البته این تغییر فرهنگی را با در نظر گرفتن تفاوت‌هایی به قومیت عرب نیز تسری می‌دهد:

یادمه اون موقع می‌گفتن بختیاری‌ها زود غرب‌زده شدن. دلیم داشت چون اولین چاه نفت تو مسجد سلیمان بود. نفت همه‌چیز ما رو عوض کرده بود. بختیاری‌ها با غربی‌ها زیاد ارتباط داشتن و رو ما تأثیر گذاشتن... ما بختیاری‌ها سریع رنگ عوض کردیم و سنت هامون رو ول کردیم و جدید شدیم. عرب‌ها هم با این که به نسبت ما بیش‌تر تو سنت‌هاشون بودن ولی از فرهنگ سنتیشون فراری بودن. (ب)

در حوزه زبان، پوشش و موسیقی گفته‌های افراد حاکی از همسوس شدن با فرهنگ جدید و شهری آن دوره و فاصله گرفتن از فرهنگ قومی می‌باشد. از نظر زبانی در بین عرب‌ها به‌ویژه نسل جدید زبان فارسی گسترش می‌باید، به طوری که این نسل تمایل چندانی به استفاده از زبان عربی در حوزه عمومی ندارد. در بین بختیاری‌ها نیز علاقه‌ای به استفاده از گویش محلی دیده نمی‌شود:

پدرم فارسیش خوب بود چون کارگر سازمان آب و برق بود. بیش‌تر همکاراش

فارس بودن. مادرم با این‌که به زن روستایی بود ولی ذهن خیلی بازی داشت. خیلی دوست داشت فارسی یاد بگیریم برا درس خوندن مهم بود... تو خونه پیش‌تر فارسی حرف می‌زدیم. محیط جوری بود که فارسی حرف‌زدن بهتر بود. (ع)

پدرم به لهجهٔ بختیاری صحبت می‌کرد ولی من اصلاً بلد نبودم و علاقه‌ای هم نداشتم تا با این لهجه صحبت کنم. دوست داشتم فارسی رو بدون لهجه صحبت کنم. (ب)

از نظر پوشش، لباس‌های سنتی در بین نسل جدید ارزش خود را از دست می‌دهند و ترجیح آن‌ها استفاده از پوشش‌های جدید است. یکی از افراد اساساً دلیل مهاجرت خانواده خود به شهر اهواز را تمسخر اطرافیان در استفاده از لباس مخصوص کار معرفی می‌کند، چراکه تا آن زمان چنین پوشش‌هایی برای مردم روستایی کاملاً عجیب بوده است:

پدرم تو مسیر دارخزینه برای پمپاژ نفت نزدیک ملائانی کار می‌کرد که وقتی تو شرکت استخدام شده بود چون دشداشه رو کنار گذاشته بود و لباس کار پوشیده بود بچه‌ها بهش خندیده بودن و مسخره کرده بودن. مادرم بهش گفته بود بریم اهواز زندگی کنیم هم امکاناتش بهتره هم دیگه کسی مسخرمون نمی‌کنه. (ع)

پاسخگوی دیگری نیز در زمینه پوشش دیدگاه مشابهی را بیان می‌کند:

ما لباس غیرعربی می‌پوشیدم جو طوری بود که دشداشه و لباس عربی مرسوم نبود. البته بختیاری‌ها هم نمی‌پوشیدن. مهمانی آگه بود تو روستا بعضی اوقات دشداشه می‌پوشیدم با اصرار پدرم. ولی تو شهر اصلاً لباس محلی نمی‌پوشیدم. افراد مسن‌تر چرا لباس محلی می‌پوشیدن ولی جوونا اصلاً دوست نداشتن انگار زشت بود. یادمه یه نفر بود که دو سه بار با دشداشه اومد مدرسه همه بهش نگاه می‌کردن و مدیر بهش گفت حق نداری این جوری لباس بپوشی. باید مٹ بقیه بچه‌ها بپوشی. (ع)

در کنار پخش زیاد موسیقی از رادیو و تلویزیون که بر گرایش‌های مردم تأثیر می‌گذارد، در اهواز نوعی موسیقی که در پیوند با فضای بومی منطقه است در پارک‌ها، جشن‌ها و مکان‌های عمومی رواج پیدا می‌کند:

اون موقع تو اهواز موسیقی بازاری خیلی رواج داشت. کلاً تو شهر صدای آغاسی پخش بود. من بیش‌تر موسیقی فارسی گوش می‌دادم همه هم همین‌طور بودن. (ع)

موسیقی محلی گوش نمی‌دادیم چون تلویزیون و رادیو که مردم داشتن صبح تا شب موسیقی فارسی گوش می‌دادن و من خودم علاقه‌ای هم به موسیقی محلی نداشتم. (ب)

براساس گفته‌های فوق می‌توان گفت، با توجه به تغییرات صورت گرفته در نتیجه مدرنیزاسیون و سیاست‌های هویتی حکومت پهلوی در راستای رواج یک هویت معیار و همگون‌ساز، مؤلفه‌ها و نمادهای فرهنگ قومی به‌ویژه در بین جوانان تضعیف شده و عناصر فرهنگی جدیدی وارد زندگی مردم می‌شود.

۳-۱-۱- ناآگاهی قومی

این مضمون ناظر به میزان آگاهی افراد متعلق به یک قوم از تبار، تاریخ، فرهنگ، نمادها، فعالیت نخبگان قومی و همچنین اهمیت تمایزهای هویتی می‌باشد. در گفته‌های یکی از افراد آگاهی پیرامون ریشه و تبار در آن دوره در مقایسه با وضعیت فعلی این‌گونه توصیف شده است:

یه دوست قدیمی دارم عربی. چند مدت پیش داشتیم باهم حرف می‌زدیم بهش گفتم محمد یادته قبلاً هیچ حرفی از عرب و بختیاری و عجم و اینا نبود. دیدی چه بساطی الآن درومده. درگیری لفظی و جروبحث این چیزا الآن چقد زیاد شده. خونشون پل سیاه بود و اون طرفا. گفت: «اره والا از این چیزا خبری نبود. همسایه خود ما عرب بود. گفت تا انقلاب اصلاً نمی‌دونستیم از چه طایفه‌ای هستن. دیدی عرب ریز و پیز همدیگرو می‌دونن». الآن بین عربا همدیگرو می‌بینن باید تمام جد و آباد همدیگرو مشخص کنن. بختیاری‌ها همین جور شدن؛ یعنی از عرب و عجم و بختیاری کار به جایی رسیده که میخوان طایفه و تیره رو مشخص کنن. (ب)

یکی از مصادیق اصلی آگاهی قومی، اطلاع افراد از فعالیت گروه‌هایی است که بر هویت قومی تأکید می‌کنند و مطالباتی را جهت حفظ و برجسته کردن فرهنگ قومی، مواجهه و یا گفت‌وگو با دولت مرکزی جهت برقراری عدالت قومی و ... مطرح می‌کنند. یکی از

مصاحبه‌شوندگان که در دوران جوانی اهل مطالعه و پیگیر اخبار سیاسی بوده درباره فعالیت گروه‌های قومی عربی و تأثیر آن‌ها بر مردم عرب اهواز می‌گویند:

بحث فلسطین و اسرائیل توجه رو به کشورهای عربی و هویت عربی جلب کرد ولی بیش‌تر جریان رو اسلامی می‌دونستم تا عربی. یادمه یک گروه آزادیبخش عربستان تحت تأثیر ملی‌گرایی عبدالناصر در خوزستان شکل گرفته بود که البته خیلی سریع جمع شدن چون تجربه نداشتن و یکی از پسر عموهای من هم جز اون‌ها بود ولی کلاً آدم‌های چندان آگاهی نبودن. بیش‌تر تحت تأثیر خارج بودن تا داخل. شاه به سیاست خیلی بدی تو استان ایجاد و در برابر این‌ها پان ایرانیست‌ها رو فعال کرد و به خورده فضا ملتعب شد. ولی تو فضای مردم، سلوک مردم هیچ تأثیری نداشت تو به قشر خاص تو به قشر تحصیل کرده مورد توجه قرار گرفت. (ع)

در توصیف نقل‌قول بالا آنچه مشخص است اگرچه برخی فعالان قومی به دلیل ارتباط با جریان‌ات خارج از کشور (از جمله تحولات کشورهای عربی) و آگاهی از تحولات هویتی اقدام به تشکیل یک گروه قومی نموده‌اند، ولی در جامعه چنین فعالیت‌هایی بازخوردی نداشته و فعالان قومی نتوانسته‌اند مردم را در راستای اهداف موردنظر با خود همراه کنند. برخی از پاسخگویان در صحبت از این موضوع به آگاهی عمومی و سیاسی بسیار پایین مردم در آن دوره اشاره می‌کنند و معتقدند که برخلاف شرایط کنونی - که مردم از طریق رسانه‌ها و سطح سواد بالاتر، از اوضاع پیرامون شناخت بیش‌تری دارند - در دوره پهلوی میزان آگاهی نسبت به موضوعات مختلف بسیار پایین بوده است:

اون موقع سطح آگاهی‌ها کم بودن مثلاً الان نبود که مردم باسوادن و از فضای مجازی همه‌چیز رو می‌فهمن. مثلاً یادمه تو دبیرستان شنیدیم که شاه گفته ایران عرب نداره و این چیزا. ولی وقتی میومدی بین مردم عادی کسی اطلاعی از این چیزا نداشت. (ع)

یادمه قبل از انقلاب مردم کاری با سیاست و این چیزا نداشتن. سواد مردم خیلی کم بود. شاید تو به محله بزرگ فقط به فرد دانشگاه رفته وجود داشت. اکثراً

مردم واقعاً آگاهی کمی داشتند. (ب)

همه انسان‌ها در یک بافت فرهنگی زندگی می‌کنند و چنین بافتی تمام وجوه زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین وضعیتی به معنای آن نیست که افراد شناخت کاملی از هویت و فرهنگشان دارند- و میان خود و دیگری تمایز قائل می‌شوند- بلکه ظهور آگاهی‌های هویتی و برجسته‌شدن فرهنگ قومی نیازمند مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌هاست. در یکی از گفت‌وگوها شخصی عدم برجستگی تمایزهای قومی را این گونه توضیح می‌دهد:

خیابان پهلوی سابق یا خیابان امام‌الآن، سه تا سینما داشت بازار اصلی اون‌جا بود. دختر پسرها اون‌جا جمع می‌شدن. یک مکتب قران هم بود. کلاً خیابان پهلوی جای همه بود. تو مکتب قران سخنرانی‌های شریعتی بود و بعضی از روحانیون، گلسرخ‌ی ... تو همین خیابون به جایی بود مال پان ایرانیست‌ها که شب و روز به عرب‌ها فحش می‌دادن. اون موقع بود که فهمیدم به عربم (سال ۵۴). مدام ما رو مسخره می‌کردن فرهنگ ما رو قبول نداشتن و تحقیر می‌کردن. من تا قبلش اصلاً توجهی به این که عرب هستم و با بقیه متفاوت هستم نداشتم. (ع)

گفته‌های فوق ناظر به وضعیتی است که نشان‌دهنده فقدان و یا سطح پایین آگاهی‌ها و تمایزهای قومی در آن دوره می‌باشد. باوجود گسترش آگاهی‌های قومی در بین برخی از نخبگان و فعالان سیاسی، اما این جنس از آگاهی ظهور و بروز چندانی در جامعه نداشته است.

۱-۱-۴- سیاست یکسان‌سازی هویتی حکومت پهلوی

این مضمون دربرگیرنده نگرش نظام سیاسی پهلوی به هویت‌های قومی از منظر افراد مشارکت‌کننده در پژوهش است. نظام سیاسی چه دیدگاهی نسبت به اقوام داشته است؟، چه سیاست‌هایی در ارتباط با آن‌ها در پیش گرفته است؟ و این که در حوزه رسمی همچون سازمان‌ها و نهادهای دولتی تا چه اندازه قومیت مجال بروز داشته است؟ در این مضمون

صورت‌بندی شده است. تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان گویای آن است که حکومت پهلوی جایگاه و ارزشی برای فرهنگ‌های قومی قائل نبوده و سیاست‌های آن در جهت جداسازی مردم از فرهنگ سنتی و نهادینه کردن فرهنگ ارائه‌شده از سوی خود بوده است:

حکومت پهلوی می‌خواست مردم رو از قومیتشون دور کنه از ستشون بکنه، حکومت هیچ ارزشی برای فرهنگ بختیاری‌ها و عرب‌ها قائل نبود. حکومت و شرایط کاری کرده بودن که فرهنگ گذشته برای ما ارزشی نداشته باشه و ما دوست داشتیم جدید باشیم، لباس‌های مد رو بپوشیم و سبک زندگی جدید داشته باشیم. (ب).

پروژه نوسازی فرهنگی جامعه ایران که در برنامه‌های تلویزیونی، نظام آموزشی متمرکز و ... به‌طور کامل آشکار است، نشان از عزم حکومت پهلوی برای تغییر فرهنگ اقوام و یکسان‌سازی فرهنگی بوده است:

زمان شاه خیلی خیلی این مسئله توسط حکومت به‌خصوص از طریق فیلم‌ها القا می‌شد که دهاتی باشی ساده‌ای هالویی چیزی نمی‌فهمی. ما دوست نداشتیم که لهجه داشته باشیم. من خیلی بدم می‌ومد از لهجه بختیاری. پدرم بدش می‌ومد که با لهجه فارسی صحبت نکنیم و روی این مسئله خیلی حساس بود. با این که مادرم لری حرف می‌زد. اون‌ها هم دوست نداشتن با دشداشه بیان بیرون چون فضا این جور بود. دوستای عرب هم مث ما بودن. آگه جایی با لهجه بختیاری صحبت می‌کردی احساس می‌کردی یه جوروی نکات می‌کنن آدم دهاتی هستی تازه اومدی تو شهر (ب).

در محیط‌های رسمی هم چون محیط کار نوعی فرهنگ‌سازمانی به‌دوراز مناسبات قومی حاکم بوده است و کارمندان و کارگران تمایلی به ابراز هویت قومی خود نداشته‌اند: اصلاً فضا کاری طوری نبود که مث الآن تا وارد یه اداره‌ای بشی میشه می‌فهمی که اداره دست کدام قومیت هست. دو تا همکار داشتیم که عرب بودن که آگه خودشون نمی‌گفتن متوجه نمی‌شدی اینا عرب هستن. محیط کاری فرقی که با

الآن داشت این بود که از همه جا آدم بود هم درون استان و هم بیرون استان. اراکی بود، همدانی بود، رامهرمزی، سوسنگردی، شوشتری، اصفهانی از همه جا کار می‌کردن. آقای ... عرب بود آدم هیچ احساس نمی‌کرد ایشون عرب هست. (ب)

در همین راستا کسان دیگری بر این نظرند که ساختار اداری به نحوی بوده که در استخدام نیروها توجهی به قومیت افراد نداشته است و با توجه به شرایط و ضوابط اعلام شده افراد می‌توانستند به استخدام سازمان و یا شرکت مربوطه درآیند:

تو اون دوران از روابط طایفه‌ای و فامیلی داخل ادارات خبری نبود. کسی نمی‌گفت یا من یادم نیست که من رفتم استخدام بشم یا بعداً با چیزی مواجه شدم که مثلاً عرب‌ها رو به خاطر عرب بودنشون استخدام نمی‌کنن... من فقط یادمه می‌گفتن عرب‌ها رو در ارتش نمیدارن پیشرفت کنن و به درجه بالا برسند (ع).

با عنایت به این گفته‌ها، حکومت پهلوی سیاست یکسان‌سازی فرهنگی را در مناطقی مثل اهواز- که دارای بافت قومی بوده‌اند- دنبال نموده و از طرق مختلف در پی به حاشیه‌راندن فرهنگ قومی و استقرار هویتی عام و فراگیر بوده است.

۱-۲- مضمون محوری: هویت قومی در مسیر ادغام

چهار مضمون تعاملات بین قومی، استحاله فرهنگ قومی، ناآگاهی قومی و سیاست یکسان‌سازی هویتی حکومت پهلوی حاکی از افول هویت قومی و شکل‌گیری نوعی فرهنگ متفاوت با گذشته می‌باشد. اطلاعات تحقق به ما می‌گویند که: ۱- در دوره پهلوی تعاملات اجتماعی فراقومی گسترده‌ای بین مردم وجود داشته است، ۲- فرهنگ جدید تا حد زیادی جایگزین فرهنگ قومی شده بود، ۳- آگاهی قومی در شکل‌های مختلف بسیار پایین بوده و ۴- نظام سیاسی با برنامه‌ها و سیاست‌های خود تغییر فرهنگ و هویت قومی را دنبال می‌نموده است. از این رو می‌توان به یک مضمون محوری با عنوان «هویت قومی در مسیر ادغام» رسید که چهار مضمون اولیه را پوشش می‌دهد. این مضمون محوری

توضیح‌دهنده این موضوع است که با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در دوره پهلوی، هویت گروه‌های قومی در مسیر ادغام در فرهنگی که برآیند شرایط عینی و ذهنی و سیاست‌های نوسازی پهلوی بوده است، قرار داشته‌اند.

۲- از شکل انقلاب اسلامی تا پایان جنگ ایران و عراق

۲-۱- مضامین اولیه

۲-۱-۱- آگاهی قومی

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به دلیل شرایط خاص سیاسی، زمینه برای فعالیت‌های سیاسی با مطالبات مختلف فراهم می‌شود و هر گروهی به دنبال همراه کردن بخشی از جامعه با خود می‌باشد. در این میان در شهر اهواز به دلیل بافت قومی برخی از جریان‌های قومی با محوریت هویت عربی فعالیت‌های خود را آغاز می‌کنند:

یادمه تو میدانی که امروز بهش میگن شهدا گروه‌های مختلفی با پلاکارد اومده بودن تبلیغ می‌کردن، شعار می‌دادن، با مردم صحبت می‌کردن. گروه خلق عرب هم بین اونا بود و فعالیت می‌کرد. می‌خواستن مردم رو با خودشون همراه کنن. (ع)
ما به دفعه متوجه شدیم در گنبد کاووس یه عده برای منافع قوم خاصی علم اعتراض بلند کردن. ما می‌خواستیم ببینم در گنبد چه خبره، اخباری که می‌ومد می‌گفتن مخالفین انقلاب دور هم جمع شدن. بعد از اون قضیه تو کردستان چنین جریانی شکل گرفت. بعد هم در خرمشهر به وجود اومد که می‌گفتن برای مطالبات قومی کار میکنن. (ع)

در پی فعالیت گروه‌های قومی در آستانه انقلاب و بعد از انقلاب طبیعی است که مردم در قیاس با گذشته آگاهی بیش‌تری نسبت به هویت قومی و جریان‌های مطالبه‌گر قومی پیدا کنند. از دیدگاه افراد رشد جریان‌های قومی به معنای همراهی مردم با چنین گروه‌هایی نبوده است و مردم عرب اهواز به‌عنوان جامعه هدف فعالان قومی با چنین گروه‌هایی هم‌دلی نداشته‌اند:

یه عده‌ای بودن بعد از انقلاب شعار قومی می‌دادن و می‌ومدن بین ما که باهاشون همراه بشیم ولی مردم عرب باهاشون نبودن اکثر مردم شعارهای اسلامی داشتن. یادمه کم کم از خارج و بحث کردستان و این جور جاها ما یه چیزهایی شنیدیم واقعاً ما هیچ مسئله‌ای بین فارس‌ها و عرب‌ها نداشتیم تو ایام انقلاب. از بیرون این جور بحث‌هایی وارد شد. (ع)

از تابستان سال ۵۸ کم کم شنیدیم یه سری تحرکات قومی شروع شده. من دوستان عربی که داشتم اصلاً تو فازهای گروه‌های خلق عرب نبودن. تازه آگه هم خبری بود بیش‌تر در خرمشهر بود تا اهواز. اتفاقاً بچه‌ها عرب خیلی مخالف می‌کردن و چنین افرادی رو در تضاد با انقلاب می‌دونستن. (ب)

برخی مصاحبه‌شوندگان که خود در آن زمان یا فعال سیاسی بوده و یا این‌که شناخت بیش‌تری از جریان‌ات سیاسی آن زمان داشته، ماهیت گروه‌های قومی آن دوره را بیش‌تر چپ و مارکسیستی معرفی می‌کنند تا جریانی با مطالبات قومی صرف:

به نظرم تو خرمشهر و اهواز اون اتفاقاتی که افتاد اصلتش چپ‌گرانه بود تا قومی. چپ‌بودن به قومیت می‌چربید. رهبرهای این کارها در خوزستان چپ بودن تا عرب. تو اون زمان فقط چپ‌ها بودن که تصریح می‌کردن حقوق قومیت‌ها رو و بقیه گروه‌ها کاری با مسئله قومیت‌ها نداشتن. (ع)

سازمان‌های چپ بودن که به مباحث قومی دامن می‌زدن. چپ‌ها دنبال خودمختاری بودن و از همین طریق دنبال برخی افراد قومی می‌گشتن. ما تو اهواز این چیزا نداشتیم. بعد از انقلاب بود که این چپ‌ها به عرب‌ها خط می‌دادن و خود چپ‌ها شاخه‌ای به نام خلق عرب ایجاد کردن. روی عرب‌ها زیاد کار می‌شد ولی چون سابقه تاریخی نداشتن تاثیرگذاری نداشتن. کلاً تشکیلات قوی نداشتن شما مقایسه کن با حزب دموکرات و کومله. کلاً تو اهواز فعالیت‌های قومی چیز خاصی نبود ولی تو خرمشهر اوضاع فرق می‌کرد. خلق عرب بین مردم اهمیتی نداشت و کاری باهاش نداشتن. (ب)

در جنگ ایران و عراق شهر اهواز به دلیل موقعیت خاص خود وضعیت یک شهر جنگی را

پیدا می‌کند و کلیه مسائل و توجهات معطوف به جنگ می‌شود، چرا که هم زندگی مردم به صورت مستقیم تحت تأثیر جنگ قرار گرفته و هم این که جمعیت قابل توجهی از مردم اهواز در جنگ حضور پیدا می‌کنند. در این شرایط زمینه‌های حرکت‌های قومی که در اوایل انقلاب فعال شده بود تا حد زیادی از بین می‌رود:

اگر تو جریان اوایل انقلاب به سری تحرکات قومی وجود داشت، تو زمان جنگ دیگه خبری از این جریانات نبود مردم درگیر جنگ بودن. فضای جنگ طوری تو اهواز طوری بود که مردم همه درگیر بودن. اکثر خانواده‌ها مرداشون تو جبهه بودن. مدام می‌رفتن جبهه و برمی‌گشتن. دغدغه مردم جنگ بود. (ع)

یکی از مسائلی که در دوران جنگ پیرامون تفاوت‌های قومی جلب توجه می‌کند، همسانی هویت عربی مردم عراق و عرب‌های خوزستان است. این مسئله به طرح برخی بحث‌ها در مورد عرب و عجم در خوزستان دامن زده و زمینه‌ساز برخی نگرش‌های منفی بین قومی می‌شود:

برادرارم همه اهل جبهه بودن. یه بار که رفته بودم بیرون دو نفر داشتن تو بازار صحبت می‌کردن که برخی از عرب‌های سمت مرز خیانت کردن و با صدام همکاری کردن. خیلی ناراحت شدم چون برادرارم که رفته بودن جبهه و مدتی بود ندیده بودمشون. حس می‌کردم دارن نامردی می‌کنن و نسبت ناروا به ما میزنن. (ع)

مصاحبه‌شوندگان عرب این پژوهش با اذعان به وجود برخی تلقی‌های اشتباه در این زمینه معتقدند که در فضای شهر اهواز و هم‌چنین در بین رزمندگان، سخن از عرب و عجم و به طور کلی صحبت‌های این چنینی نداشتند و فضای عمومی در مسیر همگرایی بوده است:

عرب‌های اهواز خودشون رو صاحب این انقلاب می‌دونستن و تو جنگ اصلاً نگاه‌های قومیتی نبود. اکثر رزمندها همین بچه‌های حصیرآباد و آسیاباد و لشکرآباد بودن که با تمام وجود می‌جنگیدن. تو مسجد ما که خیلی هم شهید داد تقریباً ۵۰ درصد بچه‌ها عرب بودن هیچ تفاوتی با بقیه حس نمی‌کردیم و خودمون

رو جمع واحد می‌دونستیم. (ع)

آگاهی قومی در قیاس با دوره پهلوی به دلیل فضای انقلابی افزایش پیدا می‌کند. تحت تأثیر شرایط انقلاب و تلاش اقشار مختلف اجتماعی جهت دستیابی به حقوق برابر اجتماعی و سیاسی، در اهواز برخی گروه‌ها با طرح مطالبات قومی به دنبال ایجاد همگرایی در بین مردم عرب بودند. علاوه بر این، جنگ ۸ ساله بین ایران و کشور عراق به‌عنوان کشوری با هویت عربی بیش از گذشته توجه مردم را به سمت توجه به تفاوت‌های هویتی می‌کشاند. برآیند این شرایط آگاهی به تمایزات و تفاوت‌های قومی هم در بین عرب‌ها و هم از سوی گروه‌های قومی دیگر نسبت به عرب‌ها بود. با این وجود فضای هم‌گرایی ناشی از انقلاب و جنگ، درگیری مستقیم مردم با جنگ در کنار پایین بودن سطح سواد، محدود بودن رسانه‌ها و ... باعث می‌شود که چنین آگاهی‌هایی هم گسترده نبوده و هم این‌که تأثیر ماندگاری- که منجر به تمایزهای هویتی با اهمیت شوند،- از خود بر جای نگذارند.

۲-۱-۲- برجستگی هویت مذهبی

هویت به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی ابعاد گوناگونی دارد و در هر دوره‌ای بنا به اقتضانات اجتماعی ممکن است یکی از ابعاد آن برجسته شده و از اهمیت سایر ابعاد کاسته شود. واکاوی مصاحبه‌ها در این پژوهش نشان‌دهنده برجسته‌شدن هویت مذهبی در ایام انقلاب و جنگ است و گویی افراد بیش‌تر دوست دارند خود را با تعلق مذهبی تعریف کنند تا تعلقات ملی و قومی:

تو تظاهرات که می‌رفتیم ما مردم عادی نگاه مذهبی داشتیم و دنبال امام بودیم ولی برخی اقشار تحصیل‌کرده نگاه‌های دیگه‌ای داشتن مردم عادی که ما باشیم چه عرب و بختیاری و چه شوشتری تا اون جایی که من یادم میاد به خاطر اسلام اومده بودیم و خبری از نگاه‌های قومی نبود. ما ندیدیم که عرب‌ها شعار قومی بدن. کسی دنبال این چیزا نبود. بعد از انقلاب به سری گروه اومدن که من یادمه حداقل بین دوستان عرب خودم هیچ جایگاهی نداشتن. (ب)

مصاحبه‌شوندگان دیگری به نقش پررنگ هویت مذهبی در بین قومیت عرب اشاره می‌کند که توانسته بود آن‌ها را با خود همراه کند. از دید آنان نقش رهبری انقلاب و شعارهای مذهبی به گونه‌ای بود که هر نوع شعار و هدفی غیر از اهداف مذهبی اهمیت چندانی در بین عموم مردم نداشت:

عرب‌ها خیلی درگیر انقلاب بودن. مثلاً آیت‌الله کرمی و برادرش خیلی فعال بودن و کارها دستشون بود. اینا صرفاً تبلیغ انقلاب می‌کردن به عده کمی از تحصیل کرده‌های عرب چپ‌بودن ولی اکثراً طرفدار امام و اسلام بودن و عموم مردم به اینا گرایش داشتن. کلاً ماها همه طرفدار اسلام بودیم به همین خاطر دنبال کارهای قومیتی نبودیم همه جامعه مثل هم بودیم. می‌گفتیم اسلام همه چیز رو به ما میده. عرب‌ها هیچ تظاهرات جداگانه نکردن کلاً تظاهرات قاطی بودن آنگه هم شعار عربی می‌دادن شعارهای فارسی رو ترجمه می‌کردن به شعار عربی. (ع)

در همین راستا یکی از مشارکت‌کنندگان ضمن اشاره به وحدت بین مردم به نقش عرب‌های خوزستان در جنگ تحمیلی، فداکاری‌های آن‌ها را ذیل همین هویت مذهبی و انقلابی توصیف می‌کند:

در ایام انقلاب همه می‌گفتن شاه باید بره امام باید بیاد به وحدت کلمه به وجود اومده بود. عرب‌ها خودشون رو مالک انقلاب می‌دونستن به انقلابی کردن به این قضیه نگاه نمی‌کردن که طرفی که حمله کرده هویت قومیش چیه می‌گفتن عراقی‌ها حمله کردن و ما باید از انقلاب و اسلام دفاع کنیم. عراقی‌ها جور دیگه نگاه می‌کردن به ما تصور می‌کردن که ما از اونا استقبال می‌کنیم. (ع)

جمع‌بندی گفته‌ها بیانگر آن است که دغدغه اصلی مردم در آن برهه تاریخی بیش‌تر تعلق مذهبی بوده و هویت مذهبی بر سایر ابعاد هویتی ارجحیت داشته است. به عبارتی پررنگ شدن هویت مذهبی عرصه را بر هویت قومی محدود می‌کرد.

۲-۲- مضمون محوری: هویت قومی در مسیر همبستگی اجتماعی

با ترکیب این دو مضمون ذکرشده یک مضمون محوری با عنوان هویت قومی در مسیر

همبستگی اجتماعی به دست آمده که بیانگر آن است که در ایام انقلاب و جنگ نوعی همبستگی اجتماعی بسیار قوی در شهر اهواز به وجود می آید که اقوام و گروه‌های مختلف اجتماعی را در خود هضم می کند. در این بازه زمانی آگاهی نسبت به هویت قومی در بین اقوام افزایش پیدا می کند، اما به دلیل سیطره هویت مذهبی بر جامعه، پیوندهای اجتماعی بیش تر بر پایه هویت مذهبی شکل می گیرد تا هویت قومی. در حقیقت هویت قومی در محاق هویت مذهبی قرار داشته و همبستگی و انسجام بسیار قوی در جامعه مانع اصلی در برابر تبدیل شدن هویت قومی به عنوان هویت مسلط بوده است.

۳- پس از پایان جنگ تا دوران فعلی

۳-۱- مضامین اولیه

۳-۱-۱- احساس محرومیت/ تبعیض قومی

مهم ترین نکته ای که در دروه پس از جنگ به صورت مکرر توسط مصاحبه شوندگان عرب به آن اشاره می شود، احساس تبعیض قومی است. از دید آنان امروزه یک احساس تبعیض نسبتاً فراگیر در بین قوم عرب ساکن در شهر اهواز وجود دارد. آن‌ها این احساس را دارند که مشکلات و مسائل آن‌ها به خاطر نگاه خاصی است که نسبت به قومیت آن‌ها وجود دارد:

الآن عرب بودن برا خانواده ما خیلی پررنگ شده، مسائل تبعیض آمیز روز به روز به شکل های مختلف خودش رو نشون میده، مناطق عرب نشین نسبت به بقیه مناطق خیلی فقیرترن. ما انتظار داریم به زبانمون توجه بیش تری بشه ولی نمی شه. حس می کنیم رها شدیم. الآن تو استان عرب ها خیلی بیش ترن از نظر کمی، ولی تو ادارات دولتی عرب ها خیلی کم ترن. ما الآن حس می کنیم مشکلاتمون به خاطر عرب بودنمون هست. (ع)

بررسی گفته ها حاکی از آن است که ادراک آن‌ها در مورد احساس تبعیض بیش تر مربوط به مسائل اقتصادی همچون شغل، فقر، کمبود امکانات، استخدام در ادارات دولتی و ...

می‌شود و موضوعات فرهنگی هم چون زبان و پوشش و یا موضوعات این‌چینی در اولویت بعدی قرار دارند:

به‌خاطر بی‌عدالتی‌هایی که به وجود آمده قومیت‌ها خودشون رو جدای از حاکمیت‌ها حساب می‌کنن. عرب‌ها می‌گن ما آگه ایرانی هستیم چرا عدالت برای ما اجرا نشده مثل بقیه. هسته مرکزی شهر همه بودن تعامل داشتیم با هم. الآن هر جا بشینی می‌گن در حق ما ظلم شده به بقیه بیش‌تر از ما رسیدگی می‌شه. مثلاً عرب‌ها خیلی حساس شدن می‌گن چرا تو انتصابات و ادارات ما جایگاهی نداریم. خوزستان همه چیز داره. منابع خدادادی زیاد هستن. مثلاً در دشت آزادگان میدان نفتی بزرگی وجود داره ولی مردم هیچ نفعی نمی‌برن (ع).
واقعاً بیکاری بیداد می‌کنه. محرومیت بسیار زیاده. الآن تو عروسی‌ها تو فاتحه‌ها تو مراسمات این صحبت رواج داره که عرب‌ها رو نمی‌برن سرکار استخدامشون نمی‌کنن. عرب رو ایرانی نمی‌دونن. شرایط اقتصادی مردم حتی در زمان جنگ هم به اندازه الآن بد نبود. اینقد بیکاری نبود. عرب‌ها هم مث بقیه راحت‌تر شغل پیدا می‌کردن ولی الآن وضعیت عرب‌ها خیلی بدتر شده هر خونه‌ای که میری چند بیکار تحصیلکرده داره. (ع)

شرایط اقتصادی و محرومیت‌های فعلی در بین قوم عرب از دید افراد یک مسئله اتفاقی نیست و نوعی برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده از سوی دولت برای کنترل قوم عرب می‌باشد. برخی از افراد سیل فروردین ۱۳۹۸ و یا اقدامات دیگر را به‌عنوان برنامه هماهنگ شده برای جابه‌جایی و کنترل جمعیت قوم عرب می‌دانند:

یک سال سیل راه می‌دازن. چون دریچه‌ها رو از عمد باز کردن. قبلش که مهاجرت‌ها به خاطر جنگ بود، بعدش که خشکسالی پیش اومد. کلاً سیل یه کار برنامه‌ریزی شده برای جابه‌جایی عرب‌ها بود. همه این‌هایی که مهاجرت می‌کنن به اهواز از مناطق اطراف همه خشمگین و عصبانی هستن ناتوان و بی‌پناه هستن. (ع)
بعد از جنگ و بخصوص تو این سال‌ها خیلی زیاد شده که مردم میگن میخوان جمعیت ما رو با بقیه متعادل کنن. میخوان جمعیت رو طوری تنظیم کنن که عرب‌ها قدرت نگیرن. مثلاً انتخابات طوری بشه که همه عرب نشن. بعد از جنگ

استارت این جور کارها زده شد. (ع)

از دید آن‌ها سیاست‌های دولت به‌ویژه در حوزه اقتصادی نه‌تنها منافی برای مردم عرب نداشته، بلکه منجر به گسترش فقر، حاشیه‌نشینی و ... در مناطق عرب‌نشین شده است: بعد از جنگ به‌خاطر کشت نیشکر شما می‌بینی صدها روستا که همه هم عرب‌نشین بودن به قیمت‌های ارزان زمین‌هاشون خریده میشه. اون موقع توجیه این بود که توسعه نیشکر سودآوریش زیاده و خیلی‌ها از مردم بومی اوامدن تو اطراف اهواز زندگی کردن. در دوره آقای رفسنجانی بخشنامه‌ای صادر شد که به هیچ وجه امکان توسعه هیچ صنعتی وجود نداره در مناطق مرزی که اکثراً عرب هستن. با توجه به هم‌جواری با عراق هر لحظه امکان درگیری و جنگ وجود داره اعتمادی به منطقه خوزستان نیست. (ع)

مصاحبه‌شوندگانی که قومیتشان بختیاری بوده به‌جای تأکید بر احساس تبعیض قومی، بر گسترش فقر و محرومیت در بین مردم اشاره می‌کنند. از منظر آنان تمایل مردم به بازیابی هویت قومی‌شان ناشی از مشکلات اقتصادی است که گریبان مردم را گرفته است:

الآن که مردم به جون هم افتادن، هزار بدبختی دارن، فشار زندگی رو همه اثر گذاشته عرب‌ها می‌گه دزفولی‌ها همه پست‌ها رو گرفتن اون یکی میگه عرب‌ها رو ببین چه کار کردن با شهر. یکی دیگه میگه بختیاری‌ها این جایی نیستن و اوامدن همه چیز رو گرفتن. (ب)

عرب‌ها هم که دنبال گذشته خودشون میرن به خاطر بدبختی هست. آدم وقتی مشکل داشته باشه دنبال این چیزا میره و گرنه آدم عادی و کسی که کار و بار داره چه سودی داره این بحثا برایش. در گذشته که این همه فقر و تورم و بیکاری نبود کسی زیاد دنبال این چیزا نمی‌رفت. خوزستان مشکلاتش زیاده. شما هر جا بری به اندازه خوزستان فقر و بدبختی درش نیست با این‌که همه ثروت کشور این جاست (ب).

در این مضمون ادراک افراد از شرایط عینی به‌ویژه شرایط اقتصادی سخن به میان آمده است. کسانی که هویت قومی‌شان عرب بوده بر احساس تبعیض قومی با مصادیقی همچون

عدم استخدام، فقیرتر بودن مناطق عرب‌نشین نسبت به سایر مناطق، برنامه‌های از پیش تعیین شده برای کنترل جمعیت و ... اشاره می‌کنند؛ اما افراد متعلق به هویت بختیاری مطرح شدن بحث قومیت در بین مردم شهر اهواز و استان خوزستان را بیش از هر چیز به مشکلات اقتصادی و محرومیت شدید استان خوزستان نسبت می‌دهند.

۳-۱-۲- رشد آگاهی قومی

گفت‌وگو با افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که آگاهی قومی در سطوح مختلف نسبت به دوره‌های پیشین افزایش یافته است و افراد شناخت بیشتری از هویت قومی خود و تفاوت با سایر گروه‌های قومی دارند. یکی از افراد حاضر در پژوهش در توصیف سطح آگاهی مردم و توجه به موضوعاتی همچون هویت قومی می‌گوید:

تا قبل از جنگ سطح آگاهی مردم خیلی پایین بود. با الآن اصلاً قابل مقایسه نیست. الآن همه از همه چی خبر دارن. اون موقع مردم این قدر اطلاع نداشتن و درگیر زندگی بودن. بیش‌تر کسانی که اهواز بودن روستایی و عشایر بودن تمام هم غمشون این بود که خانوادش رو چطور اداره کنن از نظر اقتصادی. سطح سواد هم پایین بود کسی خیلی اطلاعی از اطرافش نداشت. کسی تو این چیزا سرک نمی‌کشید (ع).

الآن با یه کارگر معمولی هم صحبت کنی حرف از قومیتش می‌زنه عمومی شده، قبلاً بین باسوادها و نخبه‌ها بود. در زمان انقلاب فقط گروه‌های روشنفکر این مباحث رو مطرح می‌کردن ولی تو قاطبه مردم کم‌تر از این صحبت‌ها می‌شد. (ب)

با افزایش سطح تحصیلات، افراد نسبت به موضوعات پیرامون حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و به مسائلی که در زندگی روزمره آن‌ها اثرگذار است، واکنش نشان می‌دهند. افزایش تحصیلات و تأثیر آن بر توجه به مباحث هویتی از منظر یکی از پاسخگویان این چنین بیان شده است:

بالا رفتن سطح سواد رو مردم خیلی تأثیر گذاشته. دانشگاه آزاد همه رو مدرک دار کرده. افراد تحصیل کرده قبلاً بین ما عرب‌ها خیلی کم بود ولی الآن تو هر خونه‌ای

دو سه تا فرد دانشگاه رفته وجود داره. بنظرم تو این سال‌هایی که تحصیلات بین عرب‌ها بیش‌تر شده و آگاهی عمومی رشد کرده بحث‌های قومیتی هم بیش‌تر شده (ع).

بخش قابل توجهی از آگاهی قومی در شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آید. افراد در این شبکه‌ها می‌توانند آزادانه به زبان و فرهنگ خود صحبت کنند، مطالب همسو با فرهنگ و هویت خود را به اشتراک بگذارند و به‌طور کلی درباره‌ی هر آن چه که مرتبط با زندگی‌شان باشد، اطلاعات کسب کنند:

الآن تو فضای مجازی بحث‌های قومیتی خیلی پررنگ شده. مدام پیام می‌آید. مثلاً بحث می‌شه از بیکاری مردم و مشکلاتی که دارن. خیلی از استخدامی‌ها صحبت می‌شه که مثلاً می‌گن تو شرکت نفت فقط غیر بومی استخدام می‌کنن و اجازه نمی‌دن بومی‌ها استخدام بشن. یا میان می‌گن بختیاری‌ها مثلاً تو اهواز زیادن همه پست‌ها رو به اون‌ها میدن. (ع)

یه گروهی بود که مرتب مطلب می‌نوشتن و عرب‌ستیزی می‌کردن. من چندین بار باهاشون مخالفت می‌کردم. همش حرف از ملیت و گذشته باستانی می‌کردن. یه عده از بختیاری‌ها اینا رو می‌شنون و باهاشون همراهی می‌کنن. یه بار که برعلیه عرب‌ها کار می‌کردن به شدت برخورد کردم. (ب)

در همین راستا نقش شبکه‌های ماهواره‌ای در برجسته کردن هویت قومی مردم عرب خوزستان در روایت یک نفر از مشارکت‌کنندگان در تحقیق این چنین آمده است:

یکی دو شبکه ماهواره‌ای هست که صبح تا شب در مورد عرب‌های خوزستان صحبت می‌کنن. مرتب به مردم میگن به شما ظلم شده، حقتون پایمال شده باید یه کاری بکنید. مثلاً از استخدام‌ها تو شرکت‌ها می‌گن. از بی توجهی دولت به مردم عرب، زمین‌هایی که از مردم به زور گرفته شده صحبت می‌کنن. قبلاً که ماهواره نبود کسی اطلاعی از این چیزا نداشت؛ اما دیگه اکثر این صحبت‌ها رو می‌شنون.

آگاهی افراد در گذر زمان می‌تواند نسبت به هویت و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند افزایش یابد، اما این آگاهی لزوماً به معنای تشکیل مرزهای هویتی نیست. در این دوره به

نظر می‌رسد که افزایش آگاهی قومی با ترسیم مرز میان خود و دیگری نیز همراه شده است:

من اصلاً تا قبل از انقلاب حسی نسبت به عرب بودن خودم نداشتم اصلاً این چیزها نبود. الآن که اون موقع رو نگاه می‌کنم می‌بینم نسبت به پسرانم که اکثراً دوست عرب دارن من بیش‌تر دوستانم غیر عرب بودن چون اصلاً به این چیزها نگاه نمی‌کردیم. بحث عرب و لر و عجم اصلاً نبود و اینا تو سال‌های اخیر اومدن. بعدها می‌گفتن این عرب‌ها این عجمه و این چیزها ولی قبلش از این صحبت‌ها نبود. (ع)
من خودم از دهه ۸۰ به بعد این حس بختیاری بودن توم زنده شد. کم‌کم شروع کردم به پوشیدن لباس لری گوش دادن موسیقی و می‌گفتیم باید از عرب‌ها عقب نمونیم. در حالی که قبلاً از انقلاب از بختیاری بودن خودم فرار می‌کردم اون موقع بحث دهاتی و شهری بود الآن شده عرب و بختیاری. (ب)

به‌طور خلاصه در مورد توصیف مضمون آگاهی قومی می‌توان گفت بالارفتن میزان تحصیلات، افزایش آگاهی عمومی جامعه، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها سبب رشد آگاهی قومی در جامعه شده است و افراد در این بستر تمایل دارند تا خود را به‌صورت آگاهانه بر مبنای ویژگی‌های مرتبط با فرهنگ قومی تعریف کنند.

۳-۱-۳- کاهش تعاملات بین قومی

یکی از اولین اشاره‌های افراد در ارتباط با تعامل بین گروه‌های قومی در دوره‌های اخیر تغییر ترکیب جمعیتی شهر اهواز است، به این صورت که برخلاف گذشته شهر اهواز دیگر تنوع جمعیتی گذشته را ندارد:

در محله ما از همه جای استان و حتی خارج از استان زندگی می‌کردن. روابط اجتماعی که امروز می‌بینیم خیلی محدودتره و شما فقط با خوزستانی‌ها مواجه می‌شی. در حالی که قبلاً به خاطر مهاجرت‌ها تنوع فرهنگی بیش‌تری تو شهر وجود داشت. (ع)

همان‌گونه که این صحبت‌ها نشان می‌دهد کاهش تنوع فرهنگی باعث محدود شدن

تعاملات اجتماعی شده است. ضمناً در این دوره با افزایش فاصله فرهنگی در جامعه شهری اهواز به ویژه بین قوم بختیاری و عرب مواجه هستیم و روابط اجتماعی بیش تر به سمت روابط درون قومی کشیده شده است:

الآن زیاد می شنوی ما عربا ما عجمما ما بختیاریها. فاصله بیش تر شده. اختلافات فرهنگی زیاد شدن. اون موقع مردم داشتن مدرن می شدن و کم کم این چیزا رو ول می کردن. روابط خیلی بسته تر شده هر کی رفته دنبال قوم و طایفش. (ب)

اون موقع رابطه بختیاریها با عربها بهتر از الآن بود. با هم بودن چون هر دوشون ریشه عشایری داشتن. فرهنگشون شبیه هم بود. الآن بیش تر از قبلاً از هم فاصله گرفتن و رابطشون مث قبلاً نیست. (ب)

همسو با این گفته‌ها، روابط درون قومی وارد مناسبات رسمی و سازمانی نیز شده است و شبکه‌ای از روابط قومی و طایفه‌ای را می‌توان در محیط‌های کاری و اداری مشاهده نمود:

تو این سالها مدام قوم‌گرایی تو ادارات بیش تر شده و همه کارمندان می‌دونن که آگه رئیس مال فلان قوم باشه به اقوامش تو اداره بال و پر می‌ده و به گروهی رو تشکیل میدن که به بقیه می‌دون نمیدن. مردمی که هم میان این جا کار دارن اینو می‌دونن دیگه. (ب)

درباره این مضمون باید گفت که با توجه از دست رفتن بسیاری از جاذبه‌های اقتصادی و مشکلات دیگری همچون معضلات زیست‌محیطی، امروزه تمایل به مهاجرت از مناطق مختلف کشور به شهر اهواز کاهش یافته و در نتیجه دایره تعاملات اجتماعی را محدودتر کرده است. از سوی دیگر مشکلات متعدد در شهر اهواز و نبود عنصر رقابت در حوزه‌های مختلف باعث افزایش حساسیت‌های بین فرهنگی و به دنبال آن کاهش تعاملات بین قومی شده است.

۴-۱-۳- بر جستگی فرهنگ قومی

توجه به ریشه و تبار یکی از مصادیقی است که نشان‌دهنده میزان پایداری افراد به فرهنگ قومی است که در مصاحبه‌ها به دفعات زیاد به آن اشاره شده است:

ریشه و تبار آدم مهمه. من خودم رو که مقایسه می‌کنم می‌بینم علاقم به این که مال کدوم طایفه و تیره بختیاری هستم زیاد شده. چون آدم وقتی دنبال طایفه میره احساس می‌کنه پشتش گرمه به کسی. روابطش بیش‌تر می‌شن. به خصوص که الآن رابطه مردم کم شده رفتن دنبال این مباحث به آرامش با خودش میاره. (ب)

طایفه‌گرایی خیلی تقویت شده. مثلاً موقع مراسمات و یا انتخابات روابط این جوهری بیش‌تر میشه. در ایام انتخابات معمولاً آگه فردی باشی که کاری هم با فامیل‌ها هم نداشته باشی میان سراغت. بحث این پیش میاد که ما باید با هم متحد بشیم و نداریم فلان طایفه و قبیله تو انتخابات پیروز بشن. ما جمعیتمون بیش‌تره و از این حرف‌ها زیاد می‌زنن. (ع)

هویت‌یابی از طریق طایفه، قبیله و عشیره از جمله مواردی است که در این گفته‌ها به خوبی قابل مشاهده است. جایگاه و اهمیت شیوخ نیز می‌تواند به عنوان شاخصی از فرهنگ قومی مورد توجه قرار گیرد. از منظر افراد مورد مطالعه جایگاه شیوخ و بزرگان بین مردم عرب که در دهه‌های گذشته تا حدودی متزلزل شده بود، در سال‌های اخیر دوباره تقویت شده است:

الآن جایگاه شیوخ دوباره تقویت شده تو سال‌های قبل به عده از روشنفکرای عرب می‌گفتن باید روابط شیخی رو از بین ببریم چون اینا نشانه عقب‌ماندگی هستن. ولی چند سالیه دوباره شیوخ به قدرتی گرفتن اگر چه مثل قبلاً هم نیستن. به مقداری وابستگی‌های شیخی و خانوادگی دوباره احیا شده. (ع)

در مورد سایر شاخص‌های فرهنگ قومی هم چون زبان، موسیقی و پوشش تفاوت‌های معناداری بین قومیت‌های عرب و بختیاری وجود دارد و مردم عرب تمایل بیش‌تری برای استفاده از این عناصر فرهنگی دارند. اگرچه در بین قومیت عرب نیز بیش‌تر حساسیت افراد به بحث زبان است تا موسیقی و پوشش. گویی افراد در ارتباط با موسیقی و پوشش بیش‌تر با موسیقی و پوشش‌های مدرن رایج در جامعه همراهی دارند:

لباس عربی یعنی دشداشه نسل جدید کم‌تر جدید می‌پوشن. مگه این که به مراسم خاصی چیزی باشه... موسیقی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای کشورهای عربی که پخش می‌شه مردم مرتب نگاه می‌کنن اما خب این موسیقی‌های جدید فارسی هم

طرفداران زیادی دارد. وقتی با بچه‌ها می‌رم بیرون اونا دوست دارن خواننده‌های فارسی جدید رو گوش بدن من و خانمم عربی. همیشه زمان سفر رو تقسیم می‌کنیم یه بخشیش باید فارسی باشه یه بخشیش عربی... الآن بچه‌ها که عربی خوب صحبت نمی‌کنن واقعاً ناراحتم آدم باید زبان مادری خودش رو بدونه مثلاً نوم سه سالشه اصلاً عربی بلد نیست من و مادر بزرگش خیلی ناراحتم از این وضعیت. ما نباید اجازه بدیم فرهنگ عربی از بین بره چون زبان عربی نسبت به زبان فارسی زبان مدرن‌تریه. عرب‌ها با جهان بیش‌تر ارتباط دارن. (ع)

این گفته‌ها نشان‌گر آن است که یادگیری زبان عربی یک دغدغه جدی برای افراد است و البته با نوعی تناقض همراه است، چراکه با توجه به اقتضائات روزمره افراد از یک سو مجبورند با زبان فارسی صحبت کنند و از سوی دیگر نوعی فشار-از سوی خانواده و گروه قومی- برای یادگیری و صحبت به زبان عربی وجود دارد. در کنار این‌ها یکی از پاسخگویان معتقد است امروزه در بین مردم عرب نگرانی زیادی پیرامون فراموشی فرهنگ قومی وجود دارد:

نباید اجازه داد فرهنگ مردم عرب از بین بره. زبان خیلی مهمه. بچه‌ها وقتی می‌رن مدرسه و تلویزیون نگاه می‌کنن فارسی یاد می‌گیرن و زبان عربیشون ضعیف می‌شه. خانواده‌ها حساسیتشون بیش‌تر شده نسبت به فرهنگی که ما داریم. مثلاً آداب و رسوم. وقتی یه بچه عربی می‌بینم که عربی رو خوب حرف نمی‌زنه خیلی ناراحت می‌شم. (ع)

یکی از نقاط قابل تأمل، افزایش گرایش به استفاده از شبکه‌های تلویزیونی کشورهای عربی است و برعکس آن استفاده از شبکه‌های فارسی‌زبان در سال‌های اخیر کاهش چشمگیری داشته است:

من برنامه‌های ایران رو کم‌تر نگاه می‌کنم. البته دخترم به نسبت پسر من بیش‌تر تلویزیون ایران رو نگاه می‌کنه. ولی در کل اکثر خانه‌های مردم عرب که میری شبکه‌های عربی رو نگاه می‌کنن. فیلم‌های عربی برای ما جذابیت بیش‌تری داره، مرتب موسیقی پخش می‌کنن (ع).

مضمون پابندی به فرهنگ قومی به ما می‌گوید که در یکی دو دهه اخیر گرایش به فرهنگ قومی-به‌ویژه در بین مردم عرب-در شکل‌های مختلف آن افزایش یافته است و افراد بیش از گذشته دوست دارند هویت خود را بر اساس فرهنگ قومی نشان دهند.

۲-۳- مضمون محوری: هویت قومی در مسیر تمایزیابی

چهار مضمون احساس محرومیت/تبعیض قومی، رشد آگاهی قومی، کاهش تعاملات بین قومی و برجستگی فرهنگ قومی در قالب یک مضمون محوری با عنوان «هویت قومی در مسیر تمایزیابی» نشان‌دهنده آن است که گروه‌های قومی بیش از گذشته بر هویت متمایز و خاص خود تأکید می‌کنند و قومیت به منبع اصلی هویت‌بخشی به افراد تبدیل شده است. این تمایزیابی یا به عبارتی مرزبندی قومی سبب ایجاد نوعی انسجام بین گروه‌های قومی-به‌ویژه در بین مردم عرب شهر-اهواز شده است.

جدول ۲. مضامین اولیه و محوری پژوهش

Table 2. Primary and central themes of research

مضامین محوری	مضامین اولیه	دوره تاریخی
هویت قومی در مسیر ادغام	تعاملات بین قومی	پهلوی دوم
	تضعیف فرهنگ قومی	
	ناآگاهی قومی	
	سیاست یکسان‌سازی هویتی حکومت پهلوی	
هویت قومی در مسیر همبستگی اجتماعی	آگاهی قومی	از انقلاب تا پایان جنگ
	برجستگی هویت مذهبی	
هویت قومی در مسیر تمایزیابی	احساس محرومیت/تبعیض قومی	از پایان جنگ تا دوران فعلی
	رشد آگاهی قومی	
	کاهش تعاملات بین قومی	
	برجستگی فرهنگ قومی	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از این پژوهش درک نظام معنایی افراد متعلق به قوم بختیاری و عرب و تحول آن از دوره پهلوی دوم تا دوران جمهوری اسلامی بود. گفت‌وگو با مصاحبه‌شوندگان نشان داد که درک افراد از هویت و فرهنگشان امری زمینه‌مند است و با تغییر در شرایط و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این ادراک دچار تغییر می‌شود؛ بنابراین با سه تحول مهم هویت قومی از دههٔ چهل شمسی تا دوران فعلی مواجهیم که مجموعهٔ مؤلفه‌ها و ویژگی‌های هر دوره با یک مضمون محوری مشخص شده‌اند. تجربهٔ زیستهٔ افراد نشان می‌دهد که در دورهٔ پهلوی دوم جایگاه قومیت در هویت‌بخشی به افراد تضعیف و سایر ابعاد هویتی تقویت می‌شوند. در توضیح این وضعیت می‌توان همسو با نظریه نوسازی گفت که در این دوره به دلیل مدرنیزاسیون گسترده در استان خوزستان و شهر اهواز، طبیعی بود که فرهنگ مردم نیز دچار تغییر شود و توسل به قومیت کارکرد چندانی برای افراد در زندگی اجتماعی نداشته باشد. بافت قومی استان خوزستان، ماجرای شیخ خزعل و درگیری خوانین بختیاری در کنار اهمیت اقتصادی خوزستان سبب شده بود تا دولت پهلوی سرمایه‌گذاری زیادی برای تغییر بافت فرهنگی استان خوزستان انجام دهد. بر همین اساس سیاست همانندسازی در خوزستان به شکل شدیدتری انجام شد (Ghayyem, 2001). در کنار این‌ها مواجهه با جلوه‌های گسترده مدرنیسم ابزاری در خوزستان همچون کارخانه، سینما، ورزش، وسایل نقلیه و... باعث شده بود که زندگی در چنین فضایی ذهنیت و نظام فرهنگی مردم را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را در موقعیت‌هایی قرار دهد که برای اولین بار تجربه می‌کردند. در دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق اگرچه فضای سیاسی و اجتماعی برای هویت‌طلبی قومی فراهم است، اما همچنان هویت قومی نقش حاشیه‌ای در زندگی اقوام شهر اهواز دارد و مردم با حرکت‌هایی که در پی مطالبه قومی هستند، همراه نیستند. در باب چرایی این وضعیت باید گفت که در این دوره همبستگی اجتماعی در بالاترین سطح خود قرار دارد و ماهیت مذهبی انقلاب و هم‌چنین فضای ایدئولوژیک حاکم بر جنگ اجازه ظهور آگاهی قومی را نمی‌دهد. هویت مذهبی به‌عنوان هویت مسلط

جامعه ایرانی به گونه‌ای است که مردم بیش تر خود را به‌عنوان افرادی مذهبی معرفی می‌کنند تا افرادی متعلق به یک قوم خاص؛ اما در دوران پس از جنگ و به‌ویژه در یکی دو دهه اخیر فضا به سمت و سویی رفته است که هویت قومی در بخش قابل توجهی از اقوام شهر اهواز تبدیل به هویت اصلی شده است. در این میان البته تفاوت‌هایی میان دو قوم بختیاری و عرب وجود دارد و برای پاسخگویان عرب هویت قومی نقش پررنگ‌تری برای آن‌ها ایفا می‌کند. تمایل به هویت‌یابی قومی در شهر اهواز در این دوره ریشه در عوامل مختلفی دارد. استان خوزستان به‌عنوان استانی که بخش قابل توجهی از ثروت کشور در آن قرار دارد، امروزه با مشکلات متعددی مواجه است و مردم شکاف وسیعی میان منابع و ثروت موجود استان و میزان بهره‌مندی از این منابع احساس می‌کنند. همان‌گونه که گر (1993) می‌گوید درجایی که احساس محرومیت وجود داشته باشد، افراد این محرومیت را به قومیت خود پیوند می‌دهند و همین عامل منجر به هویت‌طلبی قومی می‌شود. از سوی دیگر بر اثر فرایند جهانی‌شدن، رشد قابل توجه تحصیل‌کردگان دانشگاهی، گسترش شهرنشینی و ... آگاهی‌های فردی و جمعی افزایش یافته است. پیامد این شرایط افزایش قدرت بازاندیشی در بین افراد است، به گونه‌ای که امروزه افراد از توانایی بیش‌تری برای شکل‌دهی به هویت قومی خود برخوردارند. در چنین زمینه‌ای افراد در صورت تهدید هویت خود از سوی دیگر گروه‌ها، تجربه محرومیت و تبعیض و ... این امکان را می‌یابند که به طرق مختلف در برابر این شرایط از خود واکنش نشان دهند و به برجسته‌سازی هویت قومی خود پردازند.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای پژوهشی و اجرایی زیر قابل طرح می‌باشد:

- از آنجایی که این پژوهش در پی بررسی تحولات هویت قومی بر مبنای تجربه زیسته افراد بود، به نظر می‌رسد مطالعه هویت قومی در شهر اهواز از طریق بررسی اسناد و منابع تاریخی مکتوب می‌تواند فهم ما را از این موضوع عمیق‌تر نماید.

- مطالعه مقایسه‌ای و تطبیقی پیرامون گروه‌های قومی همچون مقایسه تحولات هویت قومی در استان خوزستان و کردستان شناخت دقیق‌تری را پیرامون وضعیت گروه‌های قومی

در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار خواهد داد.

-همان‌گونه که بیان شد باوجود منابع فراوان استان خوزستان، امروزه این استان با چالش‌های زیادی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی زیست‌محیطی و ... مواجه است. به نظر می‌رسد تجربه محرومیت و مشکلات متعدد در این استان می‌تواند فرایند هویت‌یابی قومی را از مسیر خود خارج نموده و منجر به رشد حرکت‌های واگرایانه قومی گردد. از این رو لازم است نظام اجرایی در کشور با مدنظر قرار دادن عدالت اجتماعی و بهبود زیرساخت‌ها و امکانات در استان خوزستان و شهر اهواز مانع تبدیل شدن تفاوت‌های فرهنگی به مرزبندی‌های قومی انحصارگرایانه گردد.

-هویت ملی برای این که در جامعه موردپذیرش قرار گیرد، باید در عین تأکید بر مؤلفه‌های فراگیر هویت‌ساز، تفاوت‌های فرهنگی را نیز پوشش دهد؛ یعنی فردی که دارای هویت قومی نیز هست، باید بتواند با هویت ملی همدلی نموده و احساس کند که پایبندی به هویت قومی تضادی با هویت ملی ندارد. بر این اساس سیاست‌گذاران فرهنگی باید توجه بیشتری به تفاوت‌های فرهنگی نموده و در برنامه‌ها و سیاست‌های خود این تفاوت‌ها را پوشش دهند. در چنین شرایطی اقوام ایرانی احساس خواهند کرد که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند فرهنگ قومی آن‌ها موردپذیرش قرار گرفته است و طبیعی است که در این شرایط احساس تعلق به هویت ملی نیز در بین آن‌ها افزایش خواهد یافت.

-رشد تمایزبازی قومی در خوزستان و شهر اهواز با برخی پیامدهای منفی همراه بوده است. امروزه در فقدان احزاب سیاسی برخی از کنشگران سیاسی با طرح مباحث قومی به تفاوت‌های قومی دامن زده و از قومیت به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند؛ و یا این که با رشد همبستگی‌های قومی کاذب و برخی سنت‌های غلط در استان مواجهیم که نبستی با شرایط زیست امروزه ندارد. به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی در این زمینه نبود عنصر رقابت در حوزه‌های گوناگون در جامعه ایران می‌باشد. به‌عنوان مثال وقتی در جامعه احزاب قومی وجود نداشته باشد، برای کنشگران سیاسی تنها ابزار موجود توسل به قومیت برای رسیدن اهدافشان می‌باشد؛ و یا این که در فقدان رقابت در عرصه‌های

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قومیت تنها منبع هویتی برای دنبال کردن اهداف فردی و اجتماعی در زندگی خواهد بود. پیشنهاد اساسی در این زمینه این است که مسئولان کشوری و استانی با اصلاح ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم، زمینه را برای رقابت سالم در عرصه‌های گوناگون فراهم نمایند. تقویت احزاب، اصلاح نظام اداری استان، توجه به شایسته‌سالاری، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری و ... مواردی هستند که باعث عدم استفاده ابزاری از قومیت خواهند شد.

تشکر و سپاسگزاری

از همه کسانی که به صورت‌های مختلف ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

ORCID

Vahid Shalchi  <http://orcid.org/0000-0002-4971-1255>
Ali Janadleh  <http://orcid.org/0000-0001-9343-9642>
Ismail Aalizad  <http://orcid.org/0000-0002-3375-4832>
Masoud Zalizadeh  <http://orcid.org/0000-0003-2016-2528>

References

- Ahmadi, H. (2018). *Iran: identity, Nationality, ethnicity*. Tehran: Institute of Research and Development of Humanities
- Ahmadi, K. (2021). *Border to Border: A Comprehensive Study of Identity and Ethnicity in Iran*. London: Mehri
- Barth, Fredrik. (2019). *Ethnic Groups and Boundaries: The Social Organization of Culture Difference*, Translated by Mohammadreza fadaee. Tehran: Shirazeh
- Bauman, zygmunt. (2015). *Hints of postmodernity*, translated by Hassan Chavoshian. Tehran: Ghofgnoos
- Beheshti, S. S. & Haghmoradi, M. (2016). Feeling of belonging to Iran among Iranian ethnic groups. *Journal of Applied Sociology*. 28(3): 25-40
- Elling, R. C. (2013). *Minorities in Iran: nationalism and ethnicity after Khomeini*. London: Palgrave Macmillan
- Ghaderzadeh, O. Mohammadzadeh, H. (2018). A Survey of Ethnic Identity Seeking and the Politicization of Iranian Kurdish Ethnicities. *Journal of Strategic Research in Security and Social Order*. 7(1): 19-42
- Ghasemi, M. A. (1386). Ted Robert Gurr and New Methods of Studying Ethnic Movements. *Quarterly of Strategic Studies*. 10(3): 451-479
- Ghayyem, AbdulNabi (2001). A sociological view to the life and culture of the Arab people of Khuzestan. *National Studies Quarterly*. 7: 187-225
- Giddens, A. (2016). *Modernity and Personalization: Society and Personal Identity in the New Age*, translated by Nasser Mofaghian. Tehran: Ney Given.
- L. M. (2008). *The Sage Encyclopedia of qualitative Research methods*. London: Sage Press.
- Guerrero, A. L. (2019). *Social Problem Community, Policy, and Social Action*, translated by Amir Khorrami. Tehran: Andishe Ehsan
- Gurr, Ted Robert. (1993). Why minorities rebel: a global analysis of communal mobilization and conflict since 1945. *International Political Science Review*. 14(2): 161-201
- Hall, S. (1997). The local and the global: llobalization and ethnicity, in: *Culture, Globalization, and the World-System: Contemporary Conditions for the Representation of Identity Edited by Anthony D. King*. USA: University of Minnesota Press
- Hatami Kakhesh, F. Kardoni, Roozbeh. (2010). Investigating the Relationship between Tendency to National Identity and Ethnic Identity among Bakhtiariis. *Half -Yearly Of Social Problems Of Iran*. 1(2): 91-115
- Institute of Culture, Art and Communication. (2017). *Survey of values and attitudes of Iranians*.
- Khademi, H. (2018). *Ethnicity is the great plague of Khuzestan/ The*

- interpellation of the Minister of Interior will take place.* Borna Agency: <https://www.borna.news/>
- Khalilian, S. (2021). *In the appointments, I use the capacity of the ethnicity/ Special order of "Raisi" for Khuzestan / 4 important priorities for the development of the province.* Tasnim News Agency: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/06/17/2568298>
- Kiger, M. E & Varpio, L. (2020). Thematic Analysis Of Qualitative Data: AMEE Guide. *Medical Teacher*. 42(1): 1-9
- Maghsoudi, M. (2003). *Ethnicities and their role in the political developments of Mohammad Reza Pahlavi's reign*, Tehran: Islamic Revolution Center
- Malesevic, Sinisa. (2016). *Identity as Ideology*, Translated by Yaghouh Ahmadi. Tehran: Kavir
- Malesevic, Sinisa. (2016). *The Sociology of Ethnicity*. Translated by Parviz Dalirpour. Tehran: Ameh
- Mirzaei, Ayatollah. (2020). *Nationalism and Ethnicity in Iran*. Tehrran: Agah
- Mousavi Seresht, S. M. (1399). *Investigating the Factors Affecting the Recreation of Cultural-Ethnic Identity of the Arab People of Khuzestan Province*, Master Thesis in Cultural Studies. Faculty of Electronic Education, Kashan University
- Nash, K. (2016). *Contemporary Political Sociology: Globalization, Politics, Power*, translated by Mohammad Ali Delfrooz. Tehran: Kavir
- Newman, S. (1991). Does Modernization Breed Ethnic Political Conflict?. *World Politics*. 43(3): 451-478
- Omidi, A. Rezaei, F. (2011). Political Dimensions of Globalization and Ethnicity in Iran (Based on a Field Study of Selected Students from Four Iranian Ethnicities: Kurdish, Baluch, Arab, and Azeri). *Journal of Theoretical Policy Research*. 8: 141-170
- Pourzitani, Sh. (2010). *Study of dominant collective identity among Khuzestan Arabs*, Master Thesis in Sociology. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran
- Rezanejad, E. (2007). *The political approach of the Government of the Islamic Republic of Iran towards the Arab ethnic movements in Khuzestan(1980-2006)*, Master Thesis in Political Science. Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University
- Robertson, R. (2015). *Social and Cultural Theory of Globalization*, translated by Kamal Pouladi. Tehran: Sales
- Slootman, M. (2016). *Ethnic identity, social mobility and the role of soulmates*. New York: Springer
- Soleimani Dashtaki, Gh. (2021). *Details of the ethnic composition of the elected members of the Ahvaz Council / The beginning of the*

- investigation of the candidates' protests*. Irna Agency: <https://www.isna.ir/news/1400040604014/>
- Talebi, A; Karimzadeh, A. (1397). Identification and Ethnic Conflict(Presentation of an Analytical Framework). *Afagh-e-Security Quarterly*. 11(39).
- Verkuyten, M. (2019).*The Social Psychology of Ethnic Identity*. London: Routledge
- Wimmer, A. (2008). The Making and Unmaking of Ethnic Boundaries: A Multilevel Process Theory. *American Journal of Sociology*. 113 (4), 970-1022
- Wimmer, A. (2018). *Ethnic Boundary Making: Institutions, Power, Networks*, Translated by Mohammadreza fadaee. Tehran: Shirazeh
- Yesiltas, Ozum. (2016). Contested notions of national identity, ethnic movements and democratization in Iran. *Studies Of Transition States And Societies*. 8(1), 53-68.

استناد به این مقاله: شالچی، وحید، جنادله، علی، عالی‌زاد، اسماعیل، زالی‌زاده، مسعود. (۱۴۰۰). تحولات هویت قومی در جامعه شهری اهواز (از دوره پهلوی دوم تا دوران جمهوری اسلامی)، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۴)، ۴۵-۸۷

DOI: 10.22054/qjss.2022.66846.2507



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...

